



رئيس جمهور: خدمتى كه جهاد سازندگى كرد، هيچ نهاد ديگرى ارائه نداد

حامى جهاد ديروز، شهيد امروز

همايش ايتارگران جهاد استان خراسان

بيست و پنجمين سالگرد شهيد ساجدى

جهادگرى جانباز، شهيدحاج سيد نصرالله قاضى عسگر

پنجمين گرد هم آيى اعضاء كانون اصفهان

گزارشى از ششمين گردهمايى كانون سنگر سزان بى سنگر - چالوس

امیرالمؤمنین: علیه السلام

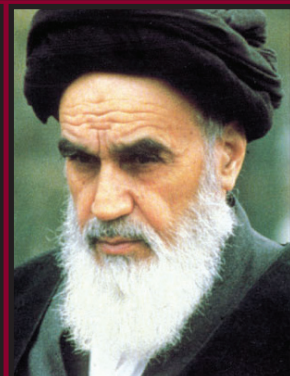
مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدِّقْ ظَنَّهُ.

کسی که به تو گمان نیکی برد، گمانش را (عملاً) تصدیق کن.



تصویر: حرم امیرالمؤمنین علیه السلام

انسان تا خودش را نسازد، نمیتواند دیگران را بسازد؛ و تا دیگران ساخته نشوند – نمی‌شود که کشور ساخته شود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود. جهاد نفس جهاد اکبر است. برای اینکه همه جهادها اگر بخواهد نتیجه داشته باشد و بخواهد انسان در جهادها پیروز بشود؛ موکول به این است که در جهاد نفس پیروز بشود.



آنجایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. من که به جبهه می‌رفتم، کارهای عظیمی را که در این زمینه شده بود، از نزدیک مشاهده می‌کردم. هیچ کس هم خبر نداشت. هیچ هیچانی هم در آن محیط حاکم نبود. کسی باید ایمان داشته باشد تا بتواند این کارها را انجام دهد. برادرهای جهاد، این کار را کردند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۴	سرمقاله
۵	رئیس جمهور: خدمتی که جهاد سازندگی کرد، هیچ نهاد دیگری ارائه نداد
۶	حامی جهاد دیروز، شهید امروز
۸	دیدار بیست و چهارم کانون مرکز
۱۰	همایش ایثارگران جهاد استان خراسان
۱۲	همسران و فرزندان شهدای جهاد استان مرکزی در مشهد
۱۳	توافق نامه کانون زنجان در خصوص ساخت فیلم
۱۴	پنجمین گرد هم آیی اعضای کانون اصفهان
۱۶	گزارشی از ششمین گردهمایی کانون سنگرسازان بی سنگر - چالوس
۲۰	چگونگی شکل گیری پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی لرستان
۲۳	جهادگری جانباز، شهید حاج سید نصرالله قاضی عسگر
۲۴	نامه ای از «شهید آوینی» به برادرش در «آمریکا»
۲۵	بیست و پنجمین سالگرد شهید ساجدی

از همه عزیزان درخواست می شود، پیشنهادات و انتقادات خود را نسبت به خبرنامه، به دفتر خبرنامه اعلام نمایند تا با همکاری شما بتوان تغییرات مفید را در خبرنامه ایجاد نمود. پیشاپیش از حسن نظر خوانندگان کمال سپاسگذاری را دارد. سردبیر خبرنامه



کانون سنگر سازان بی سنگر
ایثارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد

خبرنامه کانون سنگر سازان بی سنگر

تاریخ انتشار:

آبان ماه ۱۳۸۸ - شماره ۴۱

سردبیر:

علی سراج

طراح:

سجادی

لیتو گرافی، چاپ و صحافی:

دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی نشر آموزش کشاورزی

نشانی:

بلوار کشاورز، خیابان شهید داتمی، نبش کوچه شهید

طباطبایی رفیعی، پلاک ۴۹

کد پستی:

۱۴۱۵۶۳۸۶۳

تلفکس:

۸۸۹۹۳۹۸۸ ، ۸۸۹۶۱۳۹۹ ، ۸۸۹۶۱۳۷۷

پست الکترونیکی کانون سنگر سازان بی سنگر :

ksb1383@gmail.com



سرمقاله

تمام فعالیت‌هایی که کانون در حال انجام آن می‌باشد علی‌الخصوص این خبرنامه، همگی در راستای آن هدف بزرگ، یعنی رونق بیشتر جهاد سازندگی بوده و تلاش در این امر مهم دارد.



زمینه وقت را از دست داد. ما الان در پایان نیمه‌ی اول سال قرار داریم. البته اصلاح الگوی مصرف مخصوص یک سال نیست؛ سالها طول می‌کشد. من ایام عید هم این را گفتم؛ شاید ده سال طول بکشد که انسان بخواهد این کار را بکند؛ اما باید شروع کنیم. مسؤولین باید در این زمینه تلاش کنند، کار کنند، همکاری کنند، دانشگاه‌ها، افراد مطلع، حوزه‌های علمیه، هر کدام نقشی دارند؛ ان‌شاءالله این نقش را ایفاء کنند و بتوانیم به کمک الهی، با همت دولت محترم که در این زمینه باید پیش‌تاز باشد و پیشرو باشد و با کمک مردم، این کار را پیش ببریم.»

این سخنان مقام معظم رهبری نشان دهنده آن است که دولت و دستگاه‌های اجرایی به تنهایی نمی‌توانند همهٔ بارها را به دوش بکشند و نیاز به حضور مردم و نخبگان جامعه برای حل مشکلات کشور دارند. کانون سnger سازان بی‌سنگر با دعوت از نیروهای ارزشمند، متعهد و متخصص جهاد سازندگی قصد دارد بتواند بازهم جهت تحقق اندیشه‌های امام راحل قدم بردارد و باز هم روحیه جهادی را نقطه قوت این نظام اسلامی قرار دهد. تمام فعالیت‌هایی که کانون در حال انجام آن می‌باشد و این خبرنامه، همگی در راستای آن هدف بزرگ، یعنی رونق بیشتر جهاد سازندگی بوده و تلاش در این امر مهم دارد. سعی گردیده ساختار تشکیلاتی کانون، در قالب اولیه جهاد سازندگی پیاده شود تا هم جهاد زنده بماند و هم نیروهای جهادی بار دیگر گرد هم آیند. خوشبختانه جمعی در کانون برای ایجاد حرکت‌های جهادی ملی متکی به عمری تجربه جهادگران در حال تفکر و برنامه ریزی هستند. ان‌شاءالله با توکل به خداوند سnger سازان بی‌سنگر به عنوان یک نیروی متخصص توانمند و متعهد، جایگاه واقعی خود را پیدا نمایند و بهتر از قبل به جامعه و

جهاد سازندگی مبتکر و شروع کننده بسیاری از حرکت‌های مهم در انقلاب اسلامی بوده و همین موضوع موجب دلگرمی و توجه مسؤولین نظام از جمله رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب بوده است. در زمان اوج فعالیت‌های جهاد سازندگی و در بیشتر سخنرانی‌های مسؤولین کشور، وقتی صحبت از توسعه کشور بود، نام جهاد سازندگی بعنوان نهادی که در توسعه و سازندگی نقش داشت مطرح بود. امام خمینی هرگاه بحث حمایت از سازمانی به میان می‌آمد، محال ممکن بود که موفقیت و امید را در آن سازمان ندیده باشند. یکی از تاریخی‌ترین بیانات رهبر کبیر انقلاب در خصوص تشکیل جهاد سازندگی است و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت جهاد در اندیشه امام (ره) دارد. اما متأسفانه چند سالی است که حضور جهاد سازندگی در کنار دیگر فعالان در پیشرفت کشور، مانند اوایل انقلاب و دفاع مقدس نیست. البته منظور از جهاد سازندگی، حتماً سازمانی به این نام نیست بلکه هدف روحیه جهادی است که جهاد سازندگی را بوجود آورد.

در این چند سال اخیر مقام معظم رهبری بیانات مهمی را در خصوص سازندگی کشور در حوزه‌های مختلف بیان کردند و گالیهایی هم برای عدم انجام آن‌ها داشته‌اند. بطوری‌که در خصوص اصلاح الگوی مصرف و برخورد مسؤلین با این موضوع فرموده‌اند: «امسال ما اعلام کردیم سال اصلاح الگوی مصرف؛ همه هم استقبال کردند؛ مسؤولین استقبال کردند، مردم - هر کدام صدایشان به ما رسید - استقبال کردند، متخصصین و نخبگان و افراد مطلع در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی استقبال کردند، گفتند عجب شعار درستی است، شعار خوبی است؛ خوب، چه شد؟ سه چهار ماه متأسفانه کشور دنبال همین هیجانهایی کاذب، در این

مقام معظم رهبری:

امسال ما اعلام کردیم سال اصلاح الگوی مصرف؛ همه هم استقبال کردند؛ مسؤولین استقبال کردند، مردم هر کدام صدایشان به ما رسید - استقبال کردند، متخصصین و نخبگان و افراد مطلع در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی استقبال کردند، گفتند عجب شعار درستی است، شعار خوبی است؛ خوب، چه شد؟

خدمتی که جهاد سازندگی کرد، هیچ نهاد دیگری ارائه نداد

رئیس جمهوری با اشاره به دو هجرت طی ۳۰ سال گذشته و دستاوردهای بزرگ آن برای کشور، گفت: هجرت اول مربوط به جهادگران است و خدمتی که جهاد سازندگی کرد، هیچ نهاد دیگری ارائه نداد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، ریاست جمهوری در همایش بزرگ دانشجویان، طلاب و دانش آموزان جهادی سراسر کشور با عنوان شکرانه خدمت خطاب به آنان گفت: شرایط بسیاری از روستاهای کنونی که برای شما قابل تحمل نیست، اساساً با شرایط قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست.

وی با بیان این که جهاد سازندگی، نهضت عظیمی را به پا کرد گفت: «کارآمدترین نهاد در کشور را جوانان اهل ایثار و خدمت بر پا کردند و زیباترین خاطرات مردم بویژه ساکنان مناطق محروم، مربوط به جهادگران و جهاد سازندگی است.»

رئیس جمهور در جمع دانشجویان، طلاب و دانش آموزان اردوهای جهادی سراسر کشور با بیان این که جهاد سازندگی، نهضت عظیمی را به پا کرد گفت: کارآمدترین نهاد در کشور را جوانان اهل ایثار و خدمت بر پا کردند و زیباترین خاطرات مردم بویژه ساکنان مناطق محروم، مربوط به جهادگران و جهاد سازندگی است.

رئیس جمهوری از حضور جوانان، دانشجویان و دیگر قشرهای مردم در دفاع مقدس به عنوان هجرت نام برد و تصریح کرد همه پیشرفتهای علمی و اقتصادی و عزت و استقلال کشور، حاصل هجرت عظیم جوانان، دانشجویان و دیگر قشرها به جبهه های جنگ است. رئیس جمهوری از گروه های جهادی در زمان حاضر به عنوان پیشگامان و پیش قراولان هجرت سوم یاد کرد و گفت: حرکت شما به فضل الهی به جریان خروشان و عظیم خدمت رسانی تبدیل میشود.

وی با توصیه به گروه های جهادی برای اهمیت قائل شدن برای کار خود و دانستن قدر آن گفت: آینده کشور، ملت و جامعه بشری از دل هیاهوها و حرف های بیهوده بیرون نمی آید، بلکه از دل اراده، اندیشه و ایمانهای قوی، آینده رقم میخورد. احمدی نژاد با اشاره به وجود روحیه های جهادی متفاوت گفت: ارزش حرکت جهادی

خود جوش از سایر حرکت های جهادی بالاتر است. وی به دیدگاه ها و پیشنهادهای برخی از اعضای گروه های جهادی حاضر در این همایش اشاره کرد و گفت: در فرصت مقتضی با شورای هماهنگی گروه های جهادی دیدار میکنم.

رئیس جمهوری از اختصاص ردیف بودجه برای اردوهای جهادی خبر داد و گفت: به وزارت کشور نیز دستور داده ام تا ردیف دیگری برای پشتیبانی از گروه های جهادی در سال آینده منظور کنند.

وی با تاکید بر این که دولت، مسیر اجرایی حرکت های جهادی را روان می کند، از تشکلهای جهادی خواست تا با ایجاد یک سازماندهی مناسب، مسائل و مشکلات را به دولت منتقل کنند.

*** دعای اصلی جبهه استکبار با ملت ما در روحیه جهادی است**

احمدی نژاد با اشاره به روحیه دشمنان در مقابله با کشورهای دیگر گفت: مستکبرین هیچ حد پایانی برای خواسته های خود ندارند و دعای اصلی جبهه استکبار با ملت ما در روحیه جهادی است و می بیند که روحیه ای ایثارگری به وجود آمده و ملت ما می خواهد که عزت خود را حفظ کند.

به گفته رئیس جمهور، «اینکه کسی پیدا شود و به مستکبرین بگوید که ما حاضریم نظام شما را بپذیریم، پس سهمی به ما بدهید، آنها در پاسخ می گویند که در صف بایستید قبل از شما نیز افراد زیادی این درخواست را داشته اند و برخی این کار را سیاستمداری می دانند.»

*** هدف «سیاست جهادی» جنگیدن نیست بلکه اصلاح کردن است**

وی با اشاره به سیاست جهادی در عرصه بین المللی افزود: سیاست جهادی در عرصه بین المللی یعنی اینکه شما آماده ایثار باشید اما در این جا هدف جنگیدن نیست بلکه هدف اصلاح کردن است و دنیا مشاهده کرد که ملت ایران در طول ۳۰ سال در هر عرصه ای که با روحیه جهادی وارد شد، به پیروزی رسید و هر جا این روحیه را کنار گذاشت، هزینه هایش بالا رفت و هیچ دستاوردی برای او حاصل نشد.

رئیس جمهوری از حضور جوانان، دانشجویان و دیگر قشرهای مردم در دفاع مقدس به عنوان هجرت نام برد و تصریح کرد همه پیشرفتهای علمی و اقتصادی و عزت و استقلال کشور، حاصل هجرت عظیم جوانان، دانشجویان و دیگر قشرها به جبهه های جنگ است.

دعای اصلی جبهه استکبار با ملت ما در روحیه جهادی است و می بیند که روحیه ای ایثارگری به وجود آمده و ملت ما می خواهد که عزت خود را حفظ کند

سیاست جهادی در عرصه بین المللی یعنی اینکه شما آماده ایثار باشید اما در این جا هدف جنگیدن نیست بلکه هدف اصلاح کردن است و دنیا مشاهده کرد که ملت ایران در طول ۳۰ سال در هر عرصه ای که با روحیه جهادی وارد شد، به پیروزی رسید



حامی جهاد دیروز، شهید امروز



خبرنامه

۶



شماره ۴۱

راه خدمت را پیش گرفتند تا علاوه بر ادامه دادن راه شهداء خود نیز به فیض آنها برسند. تنها عبادت و پاک زیستن مایهٔ شهادت نیست و شهادت سعادت می خواهد که باید مانند خود شهداء بود تا بتوان به آنها رسید. نگرستن به زندگی شهداء، ساده زیستن، اخلاص و تقوی داشتن و در نهایت خدمت به خلق تا سر حد توان را گویاست بطوریکه بعد از دفاع مقدس هر کسی قادر به انجام آن نبود. اما عاشق تا به معشوق خود نرسد آرام نیست و عاشقان شهادت نیز از هر فرصتی برای رسیدن به کاروان حضرت سید الشهداء و قرار گرفتن در صف یاران ایشان استفاده می کنند.

یکی از اتفاقات تأسف بر انگیز اخیر، شهادت شهید نور علی شوشتری بود. تا قبل از این شهید بزرگوار مدتی یاد شهداء تحت تأثیر اتفاقات سیاسی کشور، کم رنگ شده بود ولی شهید شوشتری با شهادت خود باز هم با عطر شهید، جامعه ما را معطر کرد. نگاهی گذرا به زندگی شهید شوشتری، درس عبرتی است برای بازماندگان دفاع مقدس و عاشقانی که در تلاش رسیدن به کاروان شهداء هستند.

سردار سرتیپ پاسدار نور علی شوشتری در سال ۱۳۲۷ در روستای سر ولایت شهرستان نیشابور به دنیا آمد. وی که از فرماندهان پر افتخار و یارگاران نامدار دفاع مقدس محسوب می شود در دوران قبل از انقلاب با ارادت ویژه ای که نسبت به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای داشت و به طور مرتب در جلسات ایشان شرکت می نمود و بدین طریق با فضای مبارزه ارتباط داشت. در دوران بعد از انقلاب وارد جهاد سازندگی شد و بعد با ورود به سپاه در زمان دفاع مقدس در عملیات های مختلف -

پس ای حبیب من سعی و کوشش کن تا به مقام شهود برسی که شهید، سعید است و سعادت با شهادت توأم است، و کوشش کن تا عاشق روی دلدار شوی که هر کس کشته عشق شد شهید مرده است.

زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت

کان که شد کشته او نیک سر انجام افتاد

مگر ممکن است که بدون کندن نعلین شهوت و غضب از پای نفس، و بدون ترک هوی و یکباره دل به حضرت مولا بستن، به طور قرب رسید؟ که آنجا وادی مقدس است و مقام شامخ اقدس است و کسی که لباس جسمانیت پوشیده و ردای هیولای ظلمانی را بر دوش افکنده است نمی تواند مقام مشیت الهی و کیفیت سریان مشیت و نفوذ و بسط و اطلاق آن را شهود نماید.

برگرفته از کتاب شرح دعای سحر امام خمینی (ره)

شهادت سعادت می خواهد که این سعادت حاصل تلاش های زیاد برای مقابله با نفس و عبادت در درگاه خداوند متعال می باشد. دوران دفاع مقدس فرصت بسیار مناسبی برای کسانی بود که از خود فارغ بودند و جز برای رسیدن به خدا هیچ آرزویی نداشتند. شاهد مطلب، شهدای گرانقدری است که خون آنها پایه های محکم انقلاب اسلامی گردیدند. بعد از دفاع مقدس بسته شدن درب شهادت داغی بود که بر دل همزمان شهداء باقی ماند اما همه اینطور فکر نمی کردند. درب شهادت برای همه بسته نبود و نیست بطوریکه بعد از دفاع مقدس نیر انسانهای بزرگی جام شهادت را نوشیدند. خدمت به خلق یکی از بزرگترین عبادت هایی است که انسان را به خدا می رساند و آرزومندان شهادت

امام خمینی (ره)، بعد از عملیات مرصاد خطاب به شهید شوشتری می فرمایند: «در این دنیا که نمی توانم کاری بکنم، اگر آبرویی داشته باشم در آن دنیا قطعاً شما را شفاعت خواهم کرد».



تکه تکه شود.

نکته بسیار مهم در زندگی سردار شوشتری علی الخصوص در دوران بعد از جنگ، ساده زیستی این شهید بزرگوار بود بطوری که منش شهداء را در تمام مراحل زندگی رعایت می‌کرد. بررسی سرگذشت شهید شوشتری نشان‌دهنده تلاش این بزرگوار برای شهادت بود بطوریکه در جمع طوایف سیستان بیان داشت: «ان شاء الله من شهید شوم تا با خون من وحدت بین اقوام سیستان برقرار شود».

شهید شوشتری از معدود بازماندگان دوران دفاع مقدس بود که نسبت به زنده نگه داشتن ارزش‌های جهاد سازندگی، حفظ دوستی و جایگاه سنگر سازان بی‌سنگر توجه خاصی داشت و شهادت این سردار بزرگ مورد تأثیر کانون سنگر سازان بی‌سنگر گردید. از دست دادن یادگاران دفاع مقدس ضربه ای است برای حافظان ارزش‌های آن دوران، علی‌الخصوص سنگر سازان بی‌سنگر زیرا امروز جهادگران جبهه گمنام‌اند و برای ترویج مرام پاک شهدای خود بین نسل جوان، چشم امید به بازماندگان دوران حماسه بسته‌اند. طبق بیان حضرت امام خمینی شهادت سعادت می‌خواهد و چه بهتر خوبان و بازماندگان اصیل از دوران جنگ با شهادت بروند. در پایان یک سخن با شهید شوشتری داریم و آن، این است که «برادر شوشتری، شما که به هدف‌تان رسیدید و در صف یاران حضرت سیدالشهداء قرار گرفتید اما ما اعتقاد داریم شهید زنده است، پس دست از دعا به سنگر سازان بی‌سنگر بردارید و شفیع ما باشید خدمت سیدمان حضرت اباعبدالله (ع) تا بتوانیم با دعای شما و دیگر دوستان شهیدمان، حافظ ارزشهای انقلاب، اندیشه‌های امام و علی‌الخصوص شهدای جهاد باشیم». ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

خصوصاً در جبهه جنوب حضور فعال داشت.

سردار شوشتری که افتخار هم‌زمی شهیدان بزرگواری همچون شهید باکری و شهید برونسی را در کارنامه زرین خود دارد در اکثر عملیات‌ها با مسؤولیت‌های مختلف به ویژه فرماندهی محورهای عملیاتی حضور فعال داشت که هفت بار جراحات شدید و تحمل رنج و درد ناشی از آن ماحصل این حضور فعال و مخلصانه بود و بدین ترتیب افتخار جانبازی را چون برگ زرین دیگری برای کتاب زندگی سراسر مجاهدت او به ارمغان آورد.

با وقوع عملیات مرصاد وی به توصیه مقام معظم رهبری مسؤولیت این عملیات غرور آفرین را بر عهده گرفت و به نقل از شهید صیاد شیرازی فرماندهی خوبی از خود به نمایش گذاشت تا جایی که در تماس مرحوم حاج سید احمد خمینی با وی و ابلاغ گزارش پیشرفت عملیات توسط آن مرحوم به امام خمینی (ره)، حضرت امام خطاب به سردار شوشتری می‌فرمایند: «در این دنیا که نمی‌توانم کاری بکنم. اگر آبرویی داشته باشم در آن دنیا قطعاً شما را شفاعت خواهم کرد. «فرماندهی لشکر ۵ قرارگاه نجف، قرارگاه حمزه و جانشینی فرمانده نیروی زمینی سپاه بخشی از مسؤولیت‌های این فرمانده بزرگ و شهید والا مقام است. وی از اول فروردین ۸۸ نیز با حفظ سمت، فرماندهی قرارگاه قدس زاهدان را عهده دار شد و موفق گردید با تلاشی پیگیر و مجاهدتی خستگی ناپذیر ایجاد اتحاد بین طوایف شیعه و سنی را در این استان به افتخارات خود بیفزاید.

سردار شهید نورعلی شوشتری که سال‌های متمادی منصب خادمی افتخاری بارگاه ملکوتی امام رضا را نیز عهده دار بود بارها در جمع هم‌زمانش گفته بود: آرزو دارم در میدان جنگ باشم و به شهادت برسم و جسم ناقابل‌م در راه خدا

از دست دادن یادگاران دفاع مقدس ضربه ای است برای حافظان ارزش‌های آن دوران، علی‌الخصوص سنگر سازان بی‌سنگر زیرا امروز جهادگران جبهه گمنام‌اند و برای ترویج مرام پاک شهدای خود بین نسل جوان، چشم امید به بازماندگان دوران حماسه بسته‌اند.



دیدار بیست و چهارم

بیست و چهارمین دیدار کانون سنگر سازان بی سنگر در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۸ روز پنج شنبه در سالن شهدای هفت تیر جهاد کشاورزی برگزار شد. مراسم با برپایی نماز جماعت شروع شد. تعداد زیادی از دوستانی که دعوت شده بودند هنوز به مراسم نرسیده بودند. مجریان برنامه با تأخیر برنامه ها را شروع کردند تا مهمانان بیشتری که در راه بودند به مراسم برسند. مراسم با قرائت دلنشین قرآن توسط برادر عمران آغاز گردید. سپس برادر عظیمی با تبریک سالروز ازدواج حضرت علی (ع) با حضرت زهرا (س) سخنان خود را آغاز کردند. سپس ضمن پوزش در به تأخیر افتادن این دیدار به علت برگزاری گردهم آیی سالانه فرماندهان در مشهد گفتند، امید داریم در سالهای آینده خانواده ها نیز در این گونه مراسمات دعوت شوند و ارتباط بین خانواده ها حداقل سالی یک بار برقرار شود. موضوعی که آقای عظیمی از میهمانان خواست حضور مستمر در دیدارها بود ایشان خاطر نشان کردند که کم شدن تعداد دوستان در دیدارها کار را برای برنامه ریزی و اجرای مراسمات سخت می کند لذا دوستان سعی کنند با حضور مستمر خود به برگزار کنندگان مراسم کمک کنند. سپس برنامه با پخش کلیپی در موضوع شهدای لبنان ادامه یافت. آقای عظیمی بعد از پخش کلیپ از حضار تقاضا کرد تا در مورد ازدواجهایی که در دوران جنگ دیدند یا ازدواجهای خودشان خاطراتی را آماده کنند. طبق برنامه جناب آقای دکتر ابن الدین روانشناس آشنای برنامه های دیدار برنامه خود را شروع کردند. ایشان با مختصر اشاره ای به مباحث گذشته این سوالات را مطرح کردند: که خطاهای ما در کجا بوده که بچه هایمان فکر و نظرات ما را قبول ندارند؟ چکار باید می کردیم که امروز بچه هایمان آنها را بشوند که ما دوست داریم؟ در پاسخ به دو دلیل اشاره کردن که

خبرنامه

۸



شماره ۴۱





کشاورزی در سراسر کشور بیان کردند. ایشان اولین واگذاری ها را در سال ۸۳-۸۴ که مربوط به سهام حمل و نقل جاده‌ای بود ذکر کردند. و گفتند چون سری های قبل اولین تجربه واگذاری بود و چون عده‌ای از دوستان اطلاع نیاقتند و عده‌ای مطمئن نبودند و عده‌ای هم شرایط مالی مناسبی نداشتند؛ بعضی از ایشار گران جهادی نتوانستند از این امتیاز بهره مند شود. به گفته ایشان شرایط کنونی بسیار مساعد تر و خوبتر است. در ادامه اضافه کردند «در حال حاضر با چاپ آگهی مربوط به سهام حمزه و کوثر دوستانی که موفق به خرید سهام نصر نشده‌اند در صورت آمادگی می‌توانند سهام این شرکت‌ها را بخرند و از دوستان خواستند تا به دیگران اطلاع رسانی کنند». وی اشاره کرد بعد واگذاری سهام نصر درصد واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های جهاد توسعه و استقلال و شرکت‌های مربوط به اصل ۴۴ و کلیه شرکت‌هایی که در بحث خصوصی سازی هستند هستیم. همچنین فرزندان ایشارگران، سهامدار با توجه به نوع تخصص‌شان برای کار در این شرکت‌ها در اولویت هستند. در ادامه ایشان به بیان خاطره‌ای از شهید عباس مقصود بیگی که در زمان شهادت تازه نامزد کرده بود، پرداختند. که در حین احداث جاده مهمی در پیشبرد عملیات، بعثت خستگی زیاد به خواب می‌رود و بعثت باریکی و خاک سیاه جاده و تاریکی شب بلدوزر ۳۵۵ وی را زیر گرفته و به شهادت می‌رسد؛ در پایان ایشان با ذکر صلواتی سخنرانی خود را به اتمام رساندند. سپس کلبی از فعالیت‌های اخیر کانون برای حضار پخش شد که در آن تمام سمنارهای علمی برگزار شده توسط کانون در دانشگاه‌ها و جلسات معرفی جهاد سازندگی و روحیه و فرهنگ جهادی در دانشگاه‌های مختلف به نمایش درآمد. همچنین تصاویری از انتشارات تولید کانون به حضار ارائه شد. در پایان حضار به صرف شام و کیک که به مناسبت ازدواج حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) تهیه شده بود، دعوت شدند.

لازم نیست و بچه‌ها خود یاد می‌گیرند و ثمره تربیت همین است. در خانواده متعادل و مطلوب، تمام افراد اجازه اظهار نظر و حرف زدن دارند و این نظرات در آخر توسط مرد خانه جمع بندی شده و عدالت، مشورت سالم، هنر گوش دادن به حرف دیگران و حرف شنوی پدر و مادر از همدیگر در این خانواده وجود دارد. در خانواده متعادل حق سالاری در آن حاکم بوده و شاخص آن پدر خانواده است. بچه‌های این خانواده به هم‌سن و سالان خود احترام می‌گذارند. بچه‌ها در تمام کارها به غیر از معصیت در راه خدا باید حرف پدر و مادر خود را گوش کنند. نام نیکو، یاد دادن ادب، آموزش کامل قرآن سه حقی است که در قبال فرزندان بر عهده پدران و مادران می‌باشد و اگر انجام نشود در حق فرزندان ظلم کرده‌ایم. بعد از عبادت خدا بالاترین چیز تکریم و احترام به پدر و مادر است. در پایان ایشان حضار را دعوت به خواندن دو رکعت نماز در شبهای جمعه برای پدر و مادر کردند چه زنده و چه فوت شده‌اند. که در رکعت اول بعد از حمد به جای سوره ده بار آیه شریفه (رب اغفر لی و لوالدی و المؤمنین) و در رکعت دوم بعد از حمد ده بار آیه (رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً فللمؤمنین و مؤمنات) و در آخر تشهد ده بار آیه (رب ارحمنا کما ربینا صغیرا) خوانده می‌شود که اشاره کردند حتماً منافع آن در این دنیا دیده می‌شود و سخنرانی خود را به اتمام رساندند. پس از صحبت‌های دکتر ابن الدین. حاج ناصر ابراهیمی مرد همیشه در صحنه خاطرات ازدواج خود را بیان کرد و از سراحت و نوع بیان ایشان در تعریف خاطرات همه به وجد آمدند. پس از ایشان مهندس حمیدکلانتری و مهندس ایران پاک نیز خاطرات ازدواج خود را گفتند. پس از این سه بزرگوار جناب آقای شمایل در جایگاه قرار گرفت ایشان روز ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیه را تبریک گفته و موضوع صحبت خود را واگذاری سهام مؤسسه جهاد نصر به ایشارگران جهاد





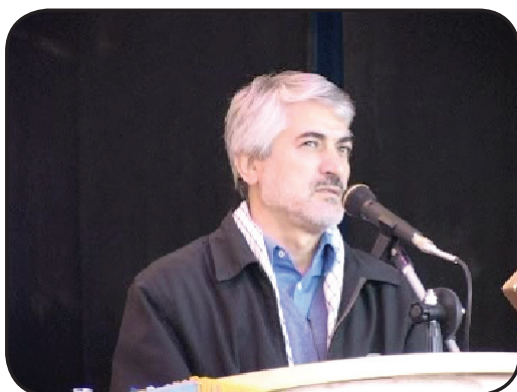
همایش ایثارگران جهاد استان خراسان

هر که در هر پست و مقام و لباسی است اگر همکاری و کمک کند در این مملکت هیچ بیکاری وجود نخواهد داشت. وی افزود که می‌توانیم از علما و روحانیون معظم در بحث ترویج و تحرکات بیشتر استفاده کرد؛ چرا که علمای عزیز پدر این مجموعه هستند. وی در پایان از دبیر کنگره شهید شوشتری یاد کرده و اضافه کرد در زمینه های فرهنگی و اقتصادی هنوز جنگ وجود داشته و بدون کار فرهنگی نمی توان رشد اقتصادی داشته و عدالت اجرا کرد. سپس با یک نماهنگ و موسیقی و اجرای مجری مراسم ادامه یافت.

در ادامه حجت الاسلام هاشمی مسؤول محترم حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان به ایراد سخنرانی پرداخت. موضوع سخنرانی، خصوصیات یاران آقا امام زمان(ع) از زبان حضرت علی(ع) بود. وی گفت: این افراد دشواری های راه حق را بدون منت گذاشتن به خدا تحمل کرده و آن را وظیفه خود دانسته و جان در راه حق فدا کردن را کوچک می‌دانند؛ ناآگاهانه مبارزه نمی‌کنند بلکه با مطالعه و بصیرت و آگاهی این کار را انجام می‌دهند. چشمانشان را با آیات قرآن باز می‌کنند و تفسیر قرآن در گوششان خوانده می‌شود؛ صبح و شب جام‌های حکمت درکام آنها ریخته می‌شود. وی در پایان توجه به دشمنان به کمین نشسته برای به راه اندازی جنگ نرم را از ضروریات دانستند. در ادامه مراسم با نمایش‌های دیگری در رابطه با

۲۱ امین مراسم ایثارگران و همایش بزرگ جهاد کشاورزی استان خراسان با حضور عده کثیری در مجتمع آیه، همزمان با ۸ امین جلسه کنگره ۲۳ هزار شهید استان خراسان برگزار گردید. ابتدا مراسم با تلاوت آیات قرآن مجید شروع شده و سپس مجری برنامه به اجرای مراسم پرداخت. مجری در ادامه خدمت ایثارگران و سنگرزنان بی سنگر حاضر در ۲۱ امین گردهمایی ایثارگران و ۸ امین جلسه کنگره بزرگداشت ۲۳ هزار شهید خیر مقدم گفت. از نکات دیگر این مراسم اجرای سناریوی نمایشی با موضوع شهدا و ایثارگران توسط هنرمندان بود.

سپس دکتر اسماعیلی‌نیا به ایراد سخنرانی پرداخت. از سخنان وی این بود که ما جهاد سازندگی را بر اساس تکلیف شروع کرده و بنا به تکلیف به جنگ رفتیم؛ ایثارگری‌های خوبی داشتیم و لقب سنگرزنان بی سنگر گرفتیم. وی گفت: «به علت تغییرات محیطی جامعه بعد از جنگ گروهی نتوانستند این فشارها را تحمل کنند و بریدند و گروهی مثل کوه محکم ایستادند و گروه دیگر بعد از غرزدن و شکایت و دردودل دوباره به خودشان آمدند و قریب به اتفاق به گذشته خود افتخار کردند و باید در این جلسات این موارد یادآوری بشود.» دکتر اسماعیلی‌نیا در ادامه گفت: جهاد نصر و شرکت مهندسی آب و خاک باید دست به دست هم داده و بحران آب را که همانند یک جنگ است حل کنند. وی گفت جز فرهنگ جهادی هیچ راهی نیست و



شهید جواد مشهدی اجرا شد و مجری برنامه به حضار اعلام کرد که نظرات، پیشنهادات خود را در رابطه با بسط و توسعه فرهنگ شهید و شهادت بگویند و میکروفونی در اختیار حضار قرار داده شد که نظرات خود را بگویند که روی صفحه نمایش نیز حک می‌شد؛ که از ابتکارات دیگر این مراسم بود. جمله‌هایی نظیر: «چرا این مراسم‌ها چند بار در سال اجرا نمی‌شود؟ چرا فرزندانمان در این مراسم‌ها حضور نداشته باشند؟ عاملی که به فرهنگ شهید و شهادت عمق می‌دهد ولایت است و ما باید ولایت شناس باشیم. وصیت نامه شهدا را بخوانیم. این کار بر عهده رسانه ملی است.» از جمله نظرات و پیشنهادات حضار بود که مطرح شد.

در ادامه حضرت آیت الله عالمی نماینده ولی فقیه در وزارت به ایراد سخنرانی پرداخت. آیت الله عالمی حضورهای خالصانه در جبهه‌ها را ثقل‌های اصلی عمل معرفی کرده و مراقبت و مواظبت از این ثقل‌ها را ضروری دانستند. وی در ادامه گفت: این عمل‌ها دچار آسیب هم می‌تواند بشود؛ از آن جمله احباط است که باید مراقبت کنیم به گذشته ما نفوذ نکند. خداوند در سوره نساء آیات ۹۵ و ۹۶ می‌فرماید: هرگز مؤمنان از پای نشسته مثل مجاهدان فی سبیل الله نیستند. آنهایی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند خداوند آنها را بر قاندين برتری، درجه و مغفرت داد. در آیه ۵۴ سوره مائده خداوند می‌فرماید: کسانی که در گذشته از خود خاطره خوب بجا گذاشته‌اند نکند در مرحله بعد بازنده شده و ماندگار نشوند! خداوند عاجز نیست و می‌تواند نسل دیگری را هم جایگزین آنها کند ولی مهم این است که آن افراد مراقب خود باشند که از عرصه و میدان بیرون نروند؛ وی افزود این افراد کسانی هستند که بر ماندن در عرصه بندگی خدا، ولایت، ارزش‌های انقلاب و... از هیچ توهینی هراس ندارند و بر آن چیزی که هستند افتخار می‌کنند و این افراد سرنوشتی غیر از سرنوشت شهیدان نخواهند داشت چرا که برای انسان آزاده مرگ در بستر بسیار سبک و ننگ است. وی افزود هنر مجاهد سازی و هنر اصلاح جامعه برای افتخار دانستن جهاد جهادگری، کار هر کس نیست بلکه خداوند به سه طایفه: انبیای الهی، اوصیای الهی و وارثان انبیاء و اولیای الهی این قدرت را داده است. البته هر عالمی وارث انبیاء نیست، عالمی که به دنیا وارد شده باشد و ارزش دیگری به اسم دنیا در کنار ارزش الهی به باور او نفوذ کرده باشد، این هنر را ندارد. ایشان در پایان افزود که ما امروزه باید بدنبال وارثان انبیاء و اولیاء واقعی حرکت کنیم تا ماندگاری ما بماند و مایه سعادت ما باشد.

بعد از موسیقی و اقامه نماز و نهار، حضار به بازدید نمایشگاه از ظهور تا ظهور و نمایشگاه کربلای ۵ رفتند.



همسران و فرزندان شهدای جهاد استان مرکزی در مشهد

حضر نکاتی را جهت هماهنگی در مورد این تور زیارتی سیاحتی عنوان کردند. طبق صحبت‌های جناب محرابی ریاست سازمان این برنامه با حمایت اعضای شورای هماهنگی بویژه ریاست محترم شورا و ریاست محترم سازمان مصوب گردیده است. در پایان این نشست هدیه ای که از طرف آقای کلانتری نماینده محترم ولی فقیه تهیه و تدارک دیده شده بود، تحویل خانواده محترم شهدای جهاد گردید. مدت اقامت عزیزان بزرگوار در مشهد مقدس ۴ روز بوده که در یکی از هتلهای خوب مشهد از خانواده محترم شهدای جهاد استان مرکزی پذیرایی شد.

به همت امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی استان مرکزی ۳۷ نفر از همسران محترم شهدا و والدین گرامی شهدا و همچنین دختران شهدای استان مرکزی در تور زیارتی سیاحتی مشهد مقدس شرکت کردند. قبل از حرکت جلسه هماهنگی با این بزرگواران برگزار شد. در این جلسه هماهنگی حجت الاسلام و المسلمین کلانتری نماینده ولی فقیه در سازمان جهاد کشاورزی آقای محرابی معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی آقای مهندس آقایی مدیر اداری و رفاه و آقای جعفری رئیس اداره امور ایثارگران و خانم معصومی از کارشناسان اداره امور ایثارگران برای

خبرنامه

۱۲



شماره ۴۱

کانون سنگر سازان بی سنگر تهران

مراسم با اقامه نماز به امامت آیت اله همدانی نماینده ولی فقیه در سازمان جهاد کشاورزی استان تهران ادامه یافت. در بین دو نماز برنامه با معرفی همسر نمونه شهید ادامه یافت. همسر نمونه معرفی شده در این محفل همسر شهید قدمعلی شجاع بودند که این شهید بزرگوار در تاریخ ۱۳۶۵/۰۹/۱۲ در منطقه جنوب به شهادت رسیدند. این شهید بزرگوار در زمان شهادت دارای ۵ فرزند پسر بوده که همکنون این همسر شهید تمامی فرزندان را به ازدواج رسانده و همگی فرزندان ایشان در مقاطع مختلف در حال ادامه تحصیل می باشند. در ادامه این مراسم از فرزندان شهدای سنگر سازان بی سنگر آقایان محمد حسن بلندی - خانم نرگس سجادر - آقای محمد حسین چهاردولی - خانم فاطمه احسنی پور - آقای مجید شجاعی تقدیر و احترام شدند. در ادامه نماز عشا خوانده شد و پذیرایی شام آخرین برنامه بود.

در آخرین روزهای هفته دفاع مقدس کانون سنگر سازان بی سنگر تهران برنامه گردهم آیی ترتیب دادند که در آن جمعی از خانواده های ایثارگر جهادی تهران برای حضور در این برنامه دعوت شده بودند. در این برنامه پس از قرائت قرآن و پخش کلیپ ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی تهران به ارائه فعالیت‌های اداره ایثارگران پرداختند. پس از سخنرانی ایشان گروه سرود امام رضا علیه السلام به اجرای برنامه زنده و اجرای سرود حماسی پرداختند که با استقبال حضار روبرو شد. پخش کلیپ و مداحی نیز از دیگر برنامه‌های این مراسم بود که تمام این برنامه‌ها در راستای تحقق هدف گرامیداشت مقام بالای شهدا و ایثارگران جهاد بود. سخنران بعدی مشاور محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و رئیس سازمان موزه دفاع مقدس (سردار قربانی فرمانده لشکر پیروز ۲۵ کربلا در دوران جنگ تحمیلی) بود.



توافق نامه کانون زنجان در خصوص ساخت فیلم



خبرنامه

۱۳



شماره ۴۱

از اقدامات مهندسین جهادگر استان زنجان را به مخاطبین تلویزیون معرفی کنند. به گفته جناب آقای پیری گروهی که دست اندر کار تدارک این برنامه بودند از شنیدن خدمات جهاد زنجان به وجد آمده به طوری که برنامه ۲ ساعته ۳ ساعت دیگر تمدید شد.

سطح کیفی بالا برای پخش در تلویزیون از دیگر اهدافی بوده که از در این برنامه به آن توجه شده بود در این نشستها فرماندهان جهادی با بیان فعالیتهای جهاد در دوران دفاع مقدس سعی در تبیین نقش جهاد در جنگ تحمیلی دارند.

کانون سنگر سازان بی سنگر زنجان توافقنامه همکاری را با اداره کل حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس استان زنجان به امضاء رسانده است که در این توافقنامه کانون از بنیاد حفظ آثار خواسته است تا با حضور مهندسین و فرماندهان جهادی در قالب ارائه یک کار تلویزیونی برنامه تولید کند. هدف اصلی از این اقدام معرفی فعالیتهای جهاد در هشت سال دفاع مقدس بوده. به لطف خدا و مدیریت مسوولین کانون زنجان جناب مهدیخانی فرماندهان جهاد زنجان و برنامه سازان سیما و مجموعه قوی از نیروهای حفظ آثار کنار یکدیگر جمع شده اند تا گوشه ای





پنجمین گردهمایی اعضای کانون اصفهان

کارشناس ترویج جهاد کشاورزی استان اصفهان گفت: با استفاده بهینه از آب، خاک و دیگر امکانات کشاورزی ضمن سودآوری بیشتر، اشتغال زایی مناسبی را می‌توان ایجاد کرد که این امر با آموزش جهادگران به راحتی میسر می‌باشد. جناب آقای همدانی از جهادگران باسابقه اصفهان مدیریت برنامه را به عهده گرفت و با سخنان شیرین خود به اهمیت این جلسات اشاره کرد و گفت: «این برنامه‌ها موجب زنده ماندن خاطرات با شکوه جبهه در یادها می‌شود بطوریکه آن دوستان با صمیمیت بسیار زیاد امروزه کمتر همدیگر را می‌بینند. بطوریکه چهره‌ها تغییر کرده و دوستان قدیمی امروز یکدیگر را به سختی می‌شناسند اما بعد از دیدار هم همان صمیمیت دوباره در بین دوستان موج می‌زند.» آقای همدانی از آقای دکتر رامین خسروی به عنوان یک جهادگر قدیمی جهت حضور در این برنامه تقدیر بعمل آورد. بعد از آن حضار در مراسم جهت دیدار از امکانات دانشگاه پرواز و هواپیماهای آن در باند پرواز حضور یافتند که دو عدد هواپیمای سوخو به پرواز درآمدند. پرسنل دانشگاه پرواز اصفهان در خصوص توانایی‌ها و مشخصات هواپیماهای آموزشی موجود در دانشگاه صحبت کردند که این توضیحات در کنار هواپیماهای آموزشی صورت پذیرفت و اعضای کانون از نزدیک با هواپیماهای موجود در دانشگاه آشنا شدند. بعد از آن شرکت کنندگان در گرد هم آیی به نماز جماعت

گرد هم آیی اعضای کانون سنگر سازان بی سنگر استان اصفهان در روز پنجشنبه مورخ ۸۸/۸/۲۱ در محل دانشگاه پرواز اصفهان برگزار گردید. مسؤولین کانون اصفهان ابتکار در محل تشکیل جلسات خود داشتند. به گفته مسؤولین کانون اصفهان دیدار قبلی در کارگاه باز سازی تانک ذلفقار بوده و برنامه آینده نیز در کارگاه مترو برگزار خواهد شد. مراسم با تلاوت آیات قرآن کریم آغاز گردید و بعد از آن سرهنگ حسین زاده فرمانده دانشگاه پرواز به سخنرانی پرداختند. وی ضمن خوش آمدگویی به اعضای کانون در خصوص اهمیت حضور جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس و اشاره به ایثارگری‌های جهادگران افزود: اینکه امام خمینی (ره) نام جهادگران را سنگر سازان بی سنگر نامیده افتخاری بس بزرگ برای این عزیزان می‌باشد. فرمانده دانشگاه پرواز توضیحاتی در خصوص فعالیت‌های صورت گرفته در این دانشگاه ارائه داد و گفت: زمان شروع به کار این دانشگاه، امکانات چندانی نبود و با همت و تلاش برادران، امروز تعداد قابل توجهی هواپیماهای آموزشی، ملخ دار و جت در اختیار این دانشگاه می‌باشد.

بعد از سخنان سرهنگ حسین زاده کارگاه آموزشی مسائل اشتغال و صرفه جویی در کشاورزی استان، توسط سرکار خانم رفیعی کارشناس جهاد سازندگی اصفهان برگزار گردید. خانم رفیعی ضمن اشاره به تنوع آب و هوا در استان اصفهان از فرصت‌های قابل توجه کشاورزی استان نام برد.



بعد از سخنان آقای توسلیان، حاج آقای همدانی پیشنهاد فرزند یکی از جهادگران را در خصوص تأسیس کانونی برای فرزندان رزمندگان جهاد را مطرح نمود و گفت ان شاء الله با تشکیل چنین مجموعه ای بتوان برای فرزندان دوستان جهادی هم برنامه ریزی کرد. بعد از آن آقای مهندس مهدی گلی به سخنرانی و نقل خاطره پرداخت و از دیگر جهادگران دعوت کردند به بیان خاطرات خود بپردازند. در این مراسم پدر شهید زمانی و فرزند شهید دادخواه حضور داشتند و با حضور آنها خاطراتی از آن شهدا توسط همزمانشان بیان شد.

پرداختند و پس از صرف ناهار به سالن اجتماعات رفتند و مراسم ادامه یافت. در مراسم بعد از ظهر، ابتدا آقای توسلیان رئیس امور ایثارگران جهاد کشاورزی اصفهان، خطاب به اعضای که سهام شرکت نصر اصفهان را نخریده اند گفت: با ارائه مدارک جهت خرید سهام اقدام نمایند و سهامداران نیز با تکمیل فرم و کالنامه، در صورت عدم حضور در جلسات امکان تصویب مصوبات را فراهم کنند. افرادی هم که هنوز عضو کانون نشده اند، با تکمیل فرم های مربوطه به عضویت کانون سنگر سازان بی سنگر در آیند.





گزارشی از ششمین گردهمایی کانون مازندران چالوس مهر ۸۸



خبرنامه

۱۶



شماره ۴۱

ایشان میسر نمی‌شود. ایشان ضمن ایراد خاطراتی از دوران دفاع مقدس به ابتکار عمل، خلاقیت و خلق حماسه‌های شبانه روزی دوران دفاع مقدس از قبیل ساخت و نصب پل خیبر، جاده سیدالشهدا(ع) و عبور از اروند اشاره و به دنباله روی از این حماسه‌ها و تکرار این بحث‌ها تأکید کردند. ایشان توجه به این مسائل را ذکات عمر تلقی کرده و صرف وقتی علاوه بر زندگی روزمره برای آنرا یادآور شدند. حاج آقای باقرزاده کانون را خانه واقعی جمع حاضر دانسته و در امر تقویت و ترویج آن اصرار کردند. ایشان از کسانی که توانایی صرف وقت برای هیأت مدیره را دارند برای کاندیدا شدن در انتخابات دعوت کردند. حاج آقای باقرزاده رئیس کانون سنگر سازان بی سنگر مازندران در ادامه موضوع انتخابات به مطالب جزوات در خصوص امام(ره) و خاطرات جبهه و جنگ و خصوصیات اخلاقی رزمندگان در دوران دفاع مقدس اشاره کرده و از این مطالب به عنوان اصل ترویج فرهنگ یاد کردند. ایشان در ادامه با توجه به مشکلات موجود در جامعه از قبیل تورم و... و اینکه کانون محفل گرم و اوقات فراغت خوبی برای دوران بازنشستگی، افرادی است که دیگر کاری ندارند از برادران تهرانی و جهاد درخواست همکاری جهت حفظ کانون کردند. سپس ایشان از افرادی که این فضا را ایجاد کردند مخصوصاً آقای شمایل تقدیر و تشکر کردند. در ادامه اشاره کردند که ۸۵ درصد سهام نصر مازندران قابل واگذاری است و ۱۵ درصد مابقی برای هولدینگ خصوصی است که سهام داران آن از اعضاء می‌باشند و با

ششمین نشست کانون سنگر سازان بی سنگر به میزبانی سازمان جنگلها و مراتع کشور برگزار شد. جلسه با سرود جمهوری اسلامی و تلاوت آیات کلام الله مجید و دکلمه‌ای کوتاه آغاز شد. در ابتدای مراسم به مناسبت درگذشت مادر شهید طبرسی فاتحه‌ای نثار روح ایشان گردید. اولین سخنران حاج آقا باقرزاده رئیس محترم هیأت امنای کانون سنگر سازان بی سنگر استان مازندران بودند که موضوع سخنرانی ایشان اهداف برگزاری این نشست بود. ایشان ضمن خیر مقدم به مدعوین محترم مخصوصاً برادرانی که از راه دور آمده بودند سخنرانی خود را شروع کردند. ایشان اهداف ایجاد و تکامل کانون و ترویج فرهنگ دفاع مقدس اشاره کرده و در مقایسه کانون با جهاد نصر و شرکت سنگر سازان بیان داشتند که بحث کانون مانند دو جای دیگر بحث آب و نان نیست و موضوع آن فقط ترویج حماسه‌ها و ایثارگری‌های دفاع مقدس می‌باشد که این امر مستلزم حضور برادران جهادی می‌باشد. ایشان از اهداف دیگر این مراسم را موضوع انتخابات کانون ذکر کردند. وی تنها راه ترویج دوستی‌ها، هم‌ت‌ها و رفاقت‌های دوران دفاع مقدس را در تقویت کانون دانستند. ایشان جمع حاضر را فرزندان امام راحل و یاران شهید بهشتی در جهاد سازندگی سابق و دوستان شهیدان طرحچی، ناجیان، رضوی، اسفندیاری و الگویی برای فرزندان‌شان که نسل امروز هستند خطاب کرده و به زنده کردن مجدد تفکر جهادی، فکر امام(ره)، فکر شهید بهشتی اشاره، و بیان کردند که این تفکر جز در قالب این نشست‌ها و تجمعات

یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه انسانی در جوامع پیشرفته را تعداد سازمانهای مردم نهاد ذکر کردند و از فاکتورهای یک جامعه متمدن تعداد سازمانهای مردم نهاد آن است. و یک نمونه آن کشور انگلیس است که می‌گویند هر فرد انگلیسی بطور متوسط عضو ۱۲۰ نهاد اجتماعی می‌باشد.

مجموعه پشتیبانی
و مهندسی جنگ
اصلاً مجموعه
جهادی‌ها گل
سرسید جوانان اول
انقلاب بود و تاریخ
به این مسئله
اذعان دارد و کسی
نمی‌تواند آنرا
عوض کند و شما به
خاطر این ملت باید
قدر خود را بدانید.



توجه به مجوزی که از مجمع عمومی گرفته شده ۱۰ درصد نقد و ۹۰ درصد نه ساله که ده ساله مستهلک می‌شود. ایشان از بچه‌های نصر به خاطر زحمات شبانه روزی پانزده روزه‌ی شان تشکر کرده و اذعان داشتند که در روزگار کنونی هم می‌شود مثل شب عملیات کار کرد و حماسه‌ای کار را پیش برد. ایشان در پایان با یادی از امام و شهدا و سلامتی مقام معظم رهبری و مادر شهید امین طبرسی و ذکر فاتحه و دعا برای سلامتی مقام معظم رهبری سخن خود را به اتمام رساندند. سخنرانی جناب آقای مهندس عظیمی: (از فرماندهان مهندسی و پشتیبانی جنگ جهاد و مدیر عامل کانون سnger سازان بی سnger کشور)

در آغاز سخنرانی حضور در جمع عزیزان جهاد چه در دوران جنگ چه بعد از جنگ و چه در کانون افتخار زندگی خود دانستند. سپس به اهمیت نقش جهاد در حفظ انقلاب اسلامی و مشغوف شدن مقام معظم رهبری از ترویج مجدد جهاد، اشاره کردند. ایشان به عدم لزوم کار بازویی در این دوران اشاره کرده و دلیل آن را حضور جوانان با غیرت و با تعصب ذکر کردند. ایشان یکی از فاکتورهای اصلی توسعه انسانی در جوامع پیشرفته را تعداد سازمانهای مردم نهاد ذکر کردند و از فاکتورهای یک جامعه متمدن تعداد سازمانهای مردم نهاد آن است. و یک نمونه آن کشور انگلیس است که می‌گویند هر فرد انگلیسی بطور متوسط عضو ۱۲۰ نهاد اجتماعی می‌باشد. و مثلاً در آلمان این رقم به ۱۱۲ نهاد می‌رسد. امروزه افراد به تنهایی نمی‌توانند از پس تمام کارهای خود برآیند، برای مثال یک کشاورز آلمانی عضو ۵۰ انجمن مربوط به حرفه‌اش می‌باشد و او تنها مدیریت کار خود را به عهده دارد. این امر سبب آسایش بیشتر افراد جامعه و سروری و برتری آن جامعه بر دیگر جوامع را در امور مختلف می‌گردد. در ادامه ایشان اضافه کرد: مجموعه پشتیبانی و مهندسی جنگ و اصلاً مجموعه جهادی‌ها گل سرسید جوانان اول انقلاب بودند و تاریخ به این مسئله اذعان دارد و کسی نمی‌تواند آنرا عوض کند و شما به خاطر مردم باید قدر خود را بدانید. و این خودخواهی نیست و جهادی بودن افتخاری است. در جنگ هم گل سرسید رزمندگانی که از سراسر کشور آمده بودند جبهه از بچه‌های جهاد جنگ بودند البته همه‌شان گل هستند ولی اینها گل سرسیدشان هستند. نیروی استشهادی چیز دیگری است. بی ادعائتر، متفکر و متواضع تر، یک جهادی گاهی ۱۰۰ رزمنده را نجات می‌داد. آیا این فرهنگ جهادی با ارزش به خاطر کوتاهی ما باید در بین جوانان گمنام باشد؟ آیا می‌توانیم به پیامبر(ص)، امام خمینی(ره) و به شهدا جواب این کوتاهی را بدهیم؟ در آبادان اگر بچه‌های جهاد نبودند، رزمنده‌ها این مدت طولانی نمی‌توانستند جنگ کنند. در ادامه ایشان به گزارشی از فعالیت چند ساله کانون پرداخت و مقایسه‌ای از برنامه‌های صدا و سیما در سال قبل و امسال درباره سnger سازان بی سnger، پرداختن امسال بیست برنامه تلویزیونی و هشت برنامه رادیویی در این رابطه ساخته شده است. و این نشانه جهش است. ایشان ذکر کردند که راه از کانون شروع می‌شود و اول باید هویت وجود داشته باشد و وجود زنده یعنی اینکه مردم بدانند و بشناسند.

جناب آقای مهندس عظیمی در ادامه می‌فرمایند یکی از سه ضرورتی که ظرف پانزده سال پس از دوران دفاع مقدس پیش آمد و مملکت هم متوجه آن شد هویت سnger سازان بی سnger بود که در حال گم شدن بود و فرزندان شهدا از اینکه بگویند پدر ما در جهاد شهید شده، خجالت می‌کشیدند. دومین ضرورت آن است که یک قشر وفادار و حامی انقلاب را ما و انقلاب داشتیم از دست دادیم. رهبر انقلاب و همه هواداران انقلاب و ملت ایران، در حال از دست دادن این قشر بودند و باید انسجام و ارتباط قوی پیدا میکرد. سومین ضرورت این بود که تاریخچه این قشر حفظ شود و تجربیات این نسل باید به نسل‌های بعد نیز برسد. این سه ضرورت یعنی حفظ هویت، انسجام اجتماعی و حفظ و انتقال تجربیات به نسل‌های بعد باعث شد تا کانون سnger سازان بی سnger بصورت، یک سازمان مردم نهاد رسمی ایجاد شود. یک سازمان مردم نهاد رسمی که کسی نمی‌تواند آنرا عوض کند و این خاصیت مردم نهاد بودن آن می‌باشد. پس در سال ۱۳۶۹ جهادی‌ها پخش و گم شده و در سال

یکی از سه ضرورتی که ظرف پانزده سال پس از دوران دفاع مقدس پیش آمد و مملکت هم متوجه آن شد هویت سnger سازان بی سnger بود که در حال گم شدن بود و فرزندان شهدا از اینکه بگویند پدر ما در جهاد شهید شده، خجالت می‌کشیدند. دومین ضرورت آن است که یک قشر وفادار و حامی انقلاب را ما و انقلاب داشتیم از دست دادیم.



۱۳۸۳ به دلیل آن سه ضرورت کانون شکل گرفت و دوباره جمع شدند. به اعتقاد ایشان «ان الله يحب الذين يجاهدون في سبيله صفا» که صف در اینجا به معنی تشکیلات و سازمان می باشد و خداوند دوست دارد کسی که می خواهد برای رضای او کاری کند تشکیلاتی درست کند. در ادامه ایشان به اهداف کانون اشاره کردند که باید با اولویت و بتدریج پیش برود و اولین اولویت آن اینست که بچه ها همدیگر را ببینند که تأثیر بسزا و هم افزایی فوق العاده ای دارد. امسال شب عید ده هزار بروشور درباره جهاد چاپ شد و در بین دانشجویان پخش گردید که با استقبال آنها نیز روبرو گشت. هزار تا نمایشگاه سی پوستره برای اولین بار در کشور توزیع کردیم و در هر استان چند بار این نمایشگاه برگزار گردید و به شدت مورد استقبال قرار گرفت. پنج هزار پوستر ۵۰ در ۷۰ به اسم «جهاد ما» درست کردیم برای دبیرستانها که کم است و باید صد هزار تا داشته باشیم. ده هزار بروشور برای «جاده سیدالشهدا» به همراه یک کلیپ ده دقیقه ای از حماسه آنجا و یک کلیپ ده دقیقه ای از مسائل علمی آنجا برای تشریح فنی و مدیریتی این جاده در دانشگاهها درست کردیم. ایشان در این جلسه در مورد مازندران می گویند که خیلی از افراد بزرگ و فرهیخته و مدیران بزرگ کشور از این خطه هستند. نام جهاد را امام خمینی (ره) برای جهاد سازندگی انتخاب فرمودند. جهاد سازندگی را شهید بهشتی برای جوانان از نظر فکری راه می انداخت و اجازه خطا رفتن را به آنها نمی داد. همه جوانان مملکت باید امثال شهید پنجعلی، شهید ناجیان، شهید طرحچی، شهید رضوی را بشناسند و اگر نشناسند کوتاهی ما می باشد.

تاریخچه کانون مازندران

سخنران بعدی حاج آقا تقوی بودند (ریاست محترم کانون سنگرسازان بی سنگر مازندران)

ایشان با سلام و درود به امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب و ارواح طیبه شهدای انقلاب، جنگ تحمیلی و جهاد و تشکر از آقای دکتر منتظری بعنوان میزبان نشست و خیر مقدم به مهندس عظیمی و آقای نواب و مدعوین محترم سخنرانی خود را آغاز کردند. کانون سنگر سازان بی سنگر استان مازندران اولین بار تحت نام «خانه» در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۵ در منزل یکی از برادران عضو با ابلاغ کانون مرکز با تعدادی از برادران حاضر در جلسه پایه ریزی شد. در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ اولین جلسه رسمی هیأت امنای خانه سنگر سازان بی سنگر با حضور تعدادی از حضار و برادران با سابقه بالا و دارای مسوولیت در سالن اجتماعات جهاد کشاورزی مازندران تشکیل شد. در این جلسه هیأت امنا، هیأت مدیره و رئیس کانون انتخاب شده و کانون به طور رسمی شروع به کار می کند. طبق اساسنامه کانون مرکز برای خانه استان پنج نفر از برادران شامل ۱- جناب

دومین ضرورت آنست که یک قشر وفادار و حامی انقلاب را ما و انقلاب داشتیم از دست می دادیم. رهبر انقلاب و همه هواداران انقلاب و ملت ایران در حال از دست دادن این قشر بودند و با هم بودن این قشر ارزش دارد.



کانون مرکز اساسنامه کانون استان پس از اعمال اصلاحاتی تصویب و ابلاغ گردید. تکثیر و توزیع فرم عضویت ایثارگران در کانون همکاری امور ایثارگران، که برای صدور کارت شناسایی تحویل کانون مرکز گردید. معرفی کانون به نمایندگی محترم ولی وفقیه در استان، فرماندهی محترم ایستگاه کربلا، استاندار محترم استان، فرماندهی محترم نیروی انتظامی، بنیاد حفظ آثار، بنیاد جانبازان و امور ایثارگران استان، شهردار مرکز استان و سایر تشکیلات مرتبط با کانون با حضور برادران هیأت مدیره یا هیأت امنا انجام شده است. پیگیری جلسات با رابطین شهرستانها، هیأت امنا و امور ایثارگران جهت شناسایی رزمندگان و ایثارگران واجد شرایط جهت دریافت سهام شرکت جهاد نصر انجام شده است. در خاتمه ایشان به نبود امکانات جهت انجام امور کانون اشاره ای داشتند. از دیگر پیشنهادات آقای تقوی، تقویت بنیه مالی و لزوم انجام فعالیتهای اقتصادی در کانون، جذب یک نفر نیروی کارشناس رایانه با تجربه، تأمین نیازهای اولیه کانون از قبیل رایانه با تمام تجهیزات و بخشی از ملزومات اداری (تلفن، فکس و...)، تجهیز و گسترش مکان کانون بود.

در ادامه مراسم انتخابات انجام شد که

آقایان ۱- حاج صادق باقرزاده ۲- مهندس محمد رسولی ۳- حاج محمد ابراهیم کلانه ۴- ابوالقاسم کلونیان ۵- محمد ابراهیم تقوی ۶- رمضانعلی جعفری ۷- ابراهیم مدنی ۸- موسوی ۹- علی منتظری ۱۰- سید جواد نورانی به عنوان کاندیدا و آقایان ۱- مهدی پدرام ۲- محسن سلطانی ۳- رمضانعلی صیدانلو به عنوان نامزدان بازرسی شرکت کردند. و در پایان آقای محمد صادق باقرزاده با ۳۴ رأی اول، آقای محمد ابراهیم تقوی با ۳۰ رأی دوم، آقای علی منتظری با ۲۴ رأی سوم، آقای ابوالقاسم کلونیان با ۲۲ رأی چهارم، آقای محمد ابراهیم کلانه با ۱۷ رأی پنجم و آقای رمضانعلی جعفری با ۱۶ رأی به عنوان عضو علی البدل انتخاب شدند. و آقای رمضانعلی صیدانلو با ۲۲ رأی بازرسی اصلی و آقای مهدی پدرام با ۷ رأی بازرسی علی البدل انتخاب شدند.

آقای باقرزاده ۲- جناب آقای مهندس افشاری ۳- جناب آقای دکتر منتظری ۴- حاج آقا صیدانلو ۵- حاج آقا تقوی به عنوان اعضاء هیأت مدیره توسط هیأت امنای وقت انتخاب شدند. در آن جلسه آقای تقوی به عنوان مسوول کانون انتخاب گردیدند. از آن تاریخ تا کنون طی دوتنامه‌های تلفنی و حضوری پنج جلسه هیأت امنا و شش جلسه هیأت مدیره را در محل‌های مختلف از قبیل سالن اجتماعات جهاد کشاورزی، سنگسازان نور، شرکت جهاد نصر و اواخر هم در محل جدیدی که در اختیار کانون قرار گرفته تشکیل دادیم و موضوعات این جلسات بشکل صورتجلسه به دوستان مرکز ارسال گشت. و در تمام جلسات دعوت شده مرکز به طور مستمر شرکت کرده و موضوعات طرح شده به سمع و نظر هیأت مدیره می رسید. به مناسبت‌هایی از قبیل دهه فجر، هفته جهاد، هفته دفاع مقدس بخشی از فعالیت‌های امور ایثارگران مازندران را جهت درج در خبرنامه کانون ارسال کردیم. به همراه تعدادی از برادران هیأت امنا خدمت نماینده محترم ولی فقیه حضرت آیت الله طبرسی رسیده و بخشی از اساسنامه کانون، اهداف و شرح وظایف را برای ایشان تشریح کرده که با استقبال ایشان روبرو شده و ضمن تشویق فرمودند که اینگونه محافل باید تداوم داشته باشند. با توجه به ابلاغ مرکز در خصوص اختصاص یک واحد مسکونی جهت استقرار کانون طی جلساتی حضوری با ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی مازندران در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱۰ یک اتاق از محوطه ساختمان شماره یک جهاد کشاورزی جهت استقرار کانون اختصاص داده شد. با استقرار کانون در این مکان بخشی از ملزومات اداری تهیه گردید و بایگانی منظمی صورت گرفت. بعد از استقرار کانون در جهاد خبرنامه های ارسالی از کانون مرکز به آدرس پیشکسوتان جهاد و شهادت استان مازندران هم ارسال می شود. با همکاری بعضی از اعضای مطلع هیأت امناء لیستی از برادران با سابقه جنگ جهاد سازندگی تحت عنوان پیشکسوتان جهاد و شهادت تهیه و به دبیرخانه کانون محفل انس مستقر در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارسال گردید که برخی از برادران نامبرده در لیست به محفل انس دعوت شدند. به دعوت

سومین ضرورت این بود که تاریخچه این قشر حفظ شود و تجربیات این نسل باید به نسل‌های بعد نیز برسد. این سه ضرورت یعنی حفظ هویت، انسجام اجتماعی و حفظ و انتقال تجربیات به نسل‌های بعد باعث شد تا کانون سنگسازان بی سنگربصورت، یک سازمان مردم نهاد رسمی ایجاد شود



چگونگی شکل گیری پشتیبانی ومهندسی جنگ جهاد سازندگی لرستان



خبرنامه

۲۰



شماره ۴۱

در نحوه برخورد با این پدیده بلامتکلیف بودیم. با اسکان موقت ایشان زمینه مسافرت ایشان به نقاط مقصدی که مد نظرشان بود را فراهم کردیم.

جالب بود که بدون اعلام قبلی، این عزیزان به جهاد مراجعه می کردند! و این نشان می داد که تشخیص جهادگران در این مورد که در همه صحنه ها باید نقش داشته باشند، صحیح بوده است.

شب با اعلام ارتش مینی بر نیاز به کمرشکن و تریلی برای انتقال ادوات نظامی به مرزها، وظیفه جدیدی را برای خود تعریف شده دیدیم و به دنبال آن جهاد، مرکزی برای اعلام نیاز به ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین شد.

چند روزی به تأمین آمبولانس، ماشین های سبک و سنگین، مینی بوس و اتوبوس، کیسه کتانی برای کیسه شن و امثال آن گذشت. یک روز از ارتش تقاضای نیرو برای تعمیر و راه اندازی تانک و نفربر شد! بلافاصله پاسخ مثبت دادیم، آقای بزازیان رفتند و فردا با این خبر خوش آمدند که تعدادی تانک را راه اندازی کرده بودند! این مطلب جبهه جدیدی را برای حضور جهادگران گشود.

هر روز که می گذشت وضعیت مرزها روشن تر می شد و نیاز به اعزام نیرو از طریق سپاه باعث شد که جمعی از جهادگران نیز آن طریق اعزام شوند.

بدون اینکه هماهنگی دقیقی بین ما باشد با درک شرایط و شناخت نیازها همه به این نتیجه رسیده بودیم که هم باید فعالیت های جهاد را داشته باشیم و هم با حساسیت نیازمندی های جبهه ها را تأمین کنیم و لذا فعالیت برای حضور

نوشته ای از جهادگر عزیز سید نصرالله شاهرخی، بنیانگذار و اولین فرمانده گردان مهندسی جنگ جهاد کردستان.

ساعت ۱۴ روز سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ با شنیدن اخبار مربوط به حمله صدام، به عنوان مزدور استکبار جهانی به ایران اسلامی، اولین مطالبی که به ذهن همه جهادگران متبادر شد، «ضرورت دفاع از اسلام و ایران بود».

جهادگران به عنوان وفادارترین افراد به آرمان ها و دستورات امام خمینی (ره)، با درک این تکلیف، بلافاصله دست به کار شدند و بدون اینکه در بند «نام» باشند، تشکیلاتی را پایه گذاری کردند که بعدها به نام «ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی لرستان» نام گرفت.

مهم نبود که چکار کنیم! مهم این بود که در صحنه باشیم و کمک کنیم.

(۱) اولین سؤال برای همه این بود که چگونه می توانیم کمک مؤثر تری داشته باشیم.

با استانداری تماس گرفتیم، از ارتش سؤال کردیم، سراغ دوستان سپاه رفتیم؛ کسی به درستی نمی دانست که چه باید کرد ولی همه معتقد بودند که انقلاب به حضور و کمک مردم و نهادهای انقلابی نیاز مبرم دارد.

در شهر خرم آباد شایع شد که دشمن ممکن است به شهرها نیز حمله کند، از طرفی عوامل سر سپرده داخلی اگرچه که تعدادشان اندک بود، اما امکان این را داشتند که به اهداف دشمن کمک کنند. لذا جهادی ها تصمیم گرفتند که با گشت در شهر از اهداف انقلاب اسلامی حفاظت کنیم.

شب اول با پدیده جدیدی روبرو شدیم، «آوارگان جنگی»؛ ابتدا

جالب بود که بدون اعلام قبلی، این عزیزان به جهاد مراجعه می کردند! و این نشان می داد که تشخیص جهادگران در این مورد که در همه صحنه ها باید نقش داشته باشند، صحیح بوده است.

احداث خاکریز، احداث کانال، کارهای آبی خاکی، تحقیقات، ساخت تجهیزات مهندسی و نظامی و... را نیز اضافه کرد که حضور داوطلبانه جهاد سازندگی در این زمینه‌ها موجب تشکیل ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد شد که جهاد سازندگی لرستان به دلیل نزدیکی به جبهه‌های غرب و جنوب از پیشگامان این اقدام بود.

رزمندگان حاضر در جبهه‌های غرب و جنوب از رشادتها و حضور همه جانبه عزیزان مهندسی جنگ جهاد لرستان خاطرات به یاد ماندنی دارند که به عنوان مثال می‌توان به فعالیت معجزه آسای این عزیزان در ارتفاعات شاخ شمیران اشاره کرد که شاید امروز کسی باور نکند که در مدت کوتاهی و در دید مستقیم دشمن، بتوان در دل یک کوه صد در صد صخره ای و سنگی، جاده‌ای ساخت که بیشتر به یک آزاد راه شبیه بود!

و یا احداث پل جمهوری را ذکر کرد که ساخت آن با وجود جریان بسیار وحشی آب رودخانه و طبیعت بسیار وحشی و شرایط جنگی، تنها با توکل به امدادهای غیبی و همت جهادگران مخلص ممکن بود. البته به همه این افتخارات باید به فعالیت همزمان این ستاد در پشت جبهه در احداث پناهگاه‌های عمومی، آوار برداری مناطق مورد حمله دشمن در شهرها و کمک به احداث سایت‌های ضد هوایی و استتار اماکن حساس، اشاره کرد.

۳) ضرورت و چگونگی شکل گیری گردان مهندسی حضرت ابوالفضل (ع)؟

تنوع فعالیت های جهادگران و باور نیروهای مسلح به حضور سازمان یافته نیروهای رسمی و مردمی جهاد سازندگی در کنار

در دفاع مقدس موجب تعطیلی کار جهاد نشد که آن نیز خود جبهه‌ای بود در مقابل دشمن.

به یاد دارم که بنده و بسیاری از دوستان تا چهل روز، جز برای نماز کفش از پا در نیاوردیم!

کمک به بارگیری مهمات از پادگان بابا عباس برای جبهه‌ها، از جمله فعالیت های دیگر جهادگران بود به گونه‌ای که علاوه بر خود جهادگران، تا ۲۵۰ نفر نیز کارگر به کار می گرفتیم، در همین اثنا بود که از ارتش تقاضای کمک به راه اندازی برخی از تجهیزات نظامی را دادند که تا آن زمان از آنها استفاده نکرده بودند!

این درخواست با موفقیت پذیرفته شد و الحمدالله با موفقیت نیز به نتیجه رسید.

تبدیل شدن ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی لرستان به کانون اعزام ماشین آلات نیمه سنگین و حتی بعضاً سبک مردمی به جبهه‌ها و همچنین مرکزی برای جمع آوری و ارسال کمک‌های گسترده مردمی در همین ایام بود که شرح کمک‌های مردمی، خود به تنهایی مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

۲) ضرورت و چگونگی شکل گیری پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی لرستان؟

بدون در خواست فرماندهان جنگ و به صورت خود خوانده، جهادگران وارد امور مهندسی جنگ شدند.

اگر چه جهادگران را در جبهه‌ها با تعبیر بسیار زیبا و به یاد ماندنی امام امت (ره) به عنوان «سنگر سازان بی سنگر» می‌شناسند و این خود افتخار بزرگی است ولی واقعیت این است که در کنار این عنوان باید نقش ویژه جهادگران در راه سازی، پل سازی،



شب با اعلام ارتش مبنی بر نیاز به کمرشکن و تریلی برای انتقال ادوات نظامی به مرزها، وظیفه جدیدی را برای خود تعریف شد دیدیم و به دنبال آن جهاد، مرکزی برای اعلام نیاز به ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین شد.

آنان، اقتضای می کرد که تشکیلات مشابه نظامی ولی با مأموریت مهندسی شکل بگیرد. با ابلاغ این موضوع از طریق ستاد پشتیبانی مهندسی جهاد مرکز، جهادگران استان لرستان مبادرت به تشکیل گردان مهندسی با نام نامی حضرت ابوالفضل (ع) نمودند که این نامگذاری نیز خود دلالت بر غیرت دینی و ولایی مردم این سامان دارد.

۴) چه کسانی برای اولین بار تقاضای اعزام به جبهه ها را داشتند؟ حضور همه جانبه مردم شهر و روستا و اقشار مختلف مردم شرایطی را ایجاد کرده بود که بعید می دانم کسی بتواند به این سؤال پاسخ درستی بدهد.

آیا می شود گفت روستاییان که با وجود وابستگی زندگی آنها به کشت و کار، همه چیز را رها کرده و به سمت جبهه ها شتافتند، پیشقدم بوده اند یا کارگران و کارمندی که هیچگونه جایگاه رسمی در ارتش و سپاه نداشتند؟

آیا می توان برای حضور دانشجویان و دانش آموزان تقدم و تأخر قائل شد؟ آیا کسی به یاد دارد که روحانیون و پزشکان و صاحبان حرف آزاد چه زمانی وارد جنگ شدند؟

بهتر است این سؤال را بی پاسخ بگذاریم و یا با این کلام پاسخ دهیم که: این جنگ صحنه حضور کسانی بود که، « همه با هم » آمدند. ۵) نام عملیات هایی که گردان مهندسی جهاد لرستان در آنه شرکت کرد؟

حافظه بنده امکان به یادآوری همه آنها را نمی دهد و بخصوص ترتیب آنها را درست به خاطر ندارم ولی از زمان برخورد با دشمن در دشت عباس و عملیات فتح المبین تا عملیات های زنجیره ای کربلا و والفجر، کمتر عملیاتی بود که جهادگران لرستان در آن حضور نداشته باشند.

البته توفیق حضور مستقیم در کنار رزمندگان قرارگاه حمزه را نداشتیم ولی در قرارگاه های کربلا و نجف حضور فعالی داشتیم.

عملیات فتح المبین، آزادسازی مهران، والفجرهای شش و ده و همچنین والفجرهای مقدماتی و محرم و... از جمله نمونه های شاخص این حضور هستند.

۶) نام فرماندهان پشتیبانی و فرماندهان گردان ها؟

الف: علاوه بر بنده، که توفیق خدمت به جهادگران در سمت فرماندهی جنگ لرستان را داشتم، مدتی نیز برادر عزیزم جناب حاج مرتضی حسینی، عهده دار این مسئولیت بودند.

در این مدت عزیزی نظیر حاج علی توکل و حاج حسن ایرانیپاک امور ستادی پشتیبانی جنگ را عهده دار بودند.

نا سیاسی است اگر در این مقاله از برادران عزیزی همچون حاج حجت الله صالحی و منصوری اسم نبرم که با وجودیکه امکان حضور مستقیم در جبهه ها را کمتر به ایشان دادیم ولی نقش ایشان در پشت جبهه کمتر از سنگسازان بی سنگر نبود.

عزیزانی چون، حاج اسد الله هاشمی نژاد، حاج محمود نور محمدی، حاج رضا کدخدایی، حاج حسن ایرانیپاک، حاج نجف زمانی از جمله بزرگانی هستند که در جایگاه فرماندهی گردان مهندسی جهاد سازندگی لرستان، افتخار خدمت داشتند.



دومین ضرورت آنست که یک قشر وفادار و حامی انقلاب را ما و انقلاب داریم از دست می دهیم. رهبر انقلاب و همه هواداران انقلاب، ملت ایران در حال از دست دادن این قشر هستند و با هم بودن این قشر ارزش دارد.

جهادگری جانباز، شهید حاج سید نصرالله قاضی عسگر

در رنج و فشار بود ایشان بعد از جنگ تا زمان بازنشستگی در مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی مشغول خدمت و پس از مجاهدتها و ایثارگریهای مختلف در راه اعتلای آرمانها و اهداف بلند نظام اسلامی بالاخره با تنی زخم خورده و بر اثر تحمل یک دوره بیماری سخت دنیای فانی را به مقصد سرای باقی در تاریخ وداع گفتند.

با درود بر ارواح طیبه همه شهیدان و جمیع مومنان و مومنات و به ویژه تقاضای رحمت واسعه از پروردگار عالمیان برای جهادگر جانباز آقای سید نصرالله قاضی عسگر.



در سیزدهم تیر ماه سال ۱۳۳۰ در خانواده بزرگ سادات قاضی عسگر، در محله مسجد سید اصفهانی در شهر اصفهان نوزادی به نام نصرالله دیده به جهان گشود. خانواده اش متدین و مذهبی بودند. دوران نوجوانی و جوانی را به تحصیل و توأمان تلاش برای کسب روزی حلال که همچون جهاد فی سبیل... از آن یاد کرده اند گذرانید و در این ایام برای پالایش جسم و روح خود از پرداختن به ورزش و ارتقای توان جسمی خود غفلت نمی نمود، او سخت شیفته عظمت و قدرت خداوند بود و به مصداق آیه شریفه «قل سیرو فی الارض...» اهل سیر و سیاحت بود. سید نصرالله علاقه وافری به کوهنوردی داشت و از مؤسسين هیأت کوهنوردی اصفهان بود. گویا او آینده نچندان دوری را پیش بینی می کرد که این اقدامات می تواند در تقویت و پرورش نیروهای انقلابی و فداکار برای نهضت امام خمینی مؤثر باشد. در دهه ۵۰ همزمان با شرایط جدیدی پیش آمده برای مبارزین و انقلابیون او نیز به صف پیشگامان انقلاب پیوست و در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی با برپا شدن غائله کردستان او جزء اولین نیروهای داوطلب بود که برای اعزام به کردستان جهت پاسداری از دستاوردهای انقلاب گردیده و به انجام خدمت در کردستان پرداخت، با شروع جنگ تحمیلی او سر از پا نمی شناخت و به همین جهت از کردستان به جنوب عزیمت نمود و با قبول مسوولیت تعمیرگاه لیاقت اهواز که مرکزی برای پشتیبانی از نیروهای رزمنده در سال ۵۹ بود به ادامه خدمت و دفاع از آرمانهای اصیل اسلامی پرداخت، پس از تشکیل ستاد جنوب در سال ۶۰ به این ستاد نقل مکان نمود تا اینکه ستاد جنوب بعداً تبدیل به قرارگاه مهندسی کربلا شد و آقای قاضی عسگر با کوله باری از تجارب ارزنده و تعهدات اخلاقی و ارزشی والا چون مشعلی فروزان به انجام خدمت مشغول باشد. ملاطفت و تواضع و تجربه در کنار توکل به خداوند بزرگ از ایشان شخصیتی تأثیر گذار ساخته بود. به نحوی که برادری بزرگوار و پدری دلسوز و پناه همسنگران و همزمان خود بود. به جهت ارادتی که دوستان او به وی داشتند برای انجام فریضه نماز همراه به او اقتدا می کردند.

آقای قاضی عسگر در طول دوران دفاع مقدس دچار مجروحیت و آسیبهای جسمی گردیدند. و در عملیات والفجر ۸ که منجر به آزادسازی شهر فاو عراق شد مشارالیه، دچار مسمومیت شیمیایی گردیده و تا هنگام رحلت از صدمات و جراحتهای آن دوران

سومین ضرورت این بود که تاریخچه این قشر حفظ شود و تجربیات این نسل باید به نسل های بعد نیز برسد. این سه ضرورت یعنی حفظ هویت، انسجام اجتماعی و حفظ و انتقال تجربیات به نسل های بعد باعث شد تا کانون سنجرسازان بی سنگر ایجاد شود یک سازمان مردم نهاد رسمی که کسی نمی تواند آنرا عوض کند و این از خاصیت مردم نهاد بودن آن می باشد.



نامه ای از «شهید آوینی» به برادرش در «آمریکا»

امام خمینی، دست خداست بر زمین؛
آن همه به صفات خداوندی آراسته
است که هنگامی که دست محبتش را
بر سر شیفتگان بالا می آورد، سایه اش
زمین و آسمان را می پوشاند.

و برادر، او را ندیده ای: دست خداست بر زمین؛ آن همه به صفات خداوندی آراسته است که هنگامی که دست محبتش را بر سر شیفتگان بالا می آورد، سایه اش زمین و آسمان را می پوشاند، و آن زمان که از حکمت و عرفان سخن می گوید، می بینی که او خود نفس حقیقت است. من بوی خوشش را از نزدیک شنیده ام و صورتش را دیده ام که قهر موسی را دارد و لطف عیسی را و آرامش سنگین محمد(ص) را.

برادر! ایران ما در تمدن نوینی است که معیارها و مقیاس هایی دیگر دارد و حکمت و فلسفه ای دیگر و هنری دیگر و ... ادبیاتی دیگر. من هرگز نمی توانم وسعت مکتبی و فرهنگی این انقلاب را در این نامه تصور کنم، اما برایت باز هم خواهیم نوشت، هر چند که وقتم بسیار تنگ است.

مادر به تو گفت (در پشت تلفن) که من کار پیدا کرده ام. این چنین نیست؛ من زندگی یافته ام. عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آن چه می گوید، مرا آن چنان شیفته ی خود ساخته است که نمی توانم جز به حکمتی که در حال تدوین آن هستیم بیندیشم و جز به فرهنگی که در حال احیای آن هستیم ... و این فرهنگ آن همه با فرهنگ کهنه و منحنی غرب متفاوت است و آن همه از آن فاصله دارد که نمی توان گفت. کارم در راه خداست (فی سبیل الله) و برای آن پولی دریافت نمی کنم. تنها سهمی اندک از بیت المال می برم که خورد و خوراک را بس باشد و بس. جهادی را که آغاز کرده ایم، امام خمینی «جهاد سازندگی» نام نهاده است. شمشیرمان قلم است و بیل و کلنگ، و در راه سازندگی ایرانی آزاد گام نهاده ایم؛ ایرانی که منشا حرکت نوین تاریخ و خاستگاه فرهنگ نوینی است که دنیای تاریک را سراسر در بر خواهد گرفت.

والسلام - برادرت مرتضی (۱۳۵۸)

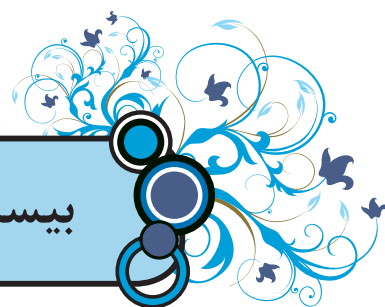
یکی از برادران «شهید سید مرتضی آوینی» دیربازی است که در ایالات متحده آمریکا سکونت دارد. آنچه خواهید خواند متن تخلص شده یکی از نامه های شهید آوینی به این برادر است.

*برادر!

دلم می خواست امروز که ایران، این پسر گم شده، بعد از قرن ها می رود که به آغوش خانواده ی خویش بازگردد، در کنارم بودی و با هم زیر لوای اسلام عزیز و در کنار امام خمینی، این فرزند راستین محمد(ص) و این نشانه ی خدا بر زمین، جهاد می کردیم.

گرفتار تاریکی بودیم که امام خمینی از قلب تاریخی که می رفت تا فراموش شود، چون محمد(ص) فریاد برآورد که «واعصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا» - همه به ریسمان خداوند چنگ بزنید و بیاویزید و پراکنده نشوید - و ما که هنوز دست و پا می زدیم تا به خویشتن خویش بازگردیم، از این سخن تازه شدیم و دریافتیم که آن چه می جستیم، یافته ایم و به یقین رسیدیم. و حتی من که همواره بویی از محمد در مشام داشتم، در آغاز باور نمی کردم که در این ظلمت کده ی زمین بتوان نقبی به سوی نور زد- که ابعاد آن چه روی داد، آن همه گسترده بود که زمین را در بر می گرفت و خدا این تردید را که جز لمحهای به طول نینجامید بر من ببخشد- و برق یقین بی هیچ واسطه ای بر دلم نشست، همان گونه که بر کوه سینا، و ایمان آوردم، و برادر! زمان گم شد و مکان، و کویر بود، و آن که دعوت به حق می کرد محمد(ص) بود، و خدا را شکر که گوش ایمان من به آوای الله آشنا بود و نمی دانی که چه خوش بود. با همان عشقی که اباذر با محمد(ص) بیعت کرد، ما به امام خمینی پیوستیم.

مادر به تو گفت (در پشت تلفن) که من کار پیدا کرده ام. این چنین نیست؛ من زندگی یافته ام. عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آن چه می گوید، مرا آن چنان شیفته ی خود ساخته است که نمی توانم جز به حکمتی که در حال تدوین آن هستیم بیندیشم و جز به فرهنگی که در حال احیای آن هستیم .. کارم در راه خداست (فی سبیل الله) و برای آن پولی دریافت نمی کنم. تنها سهمی اندک از بیت المال می برم که خورد و خوراک را بس باشد و بس. جهادی را که آغاز کرده ایم، امام خمینی «جهاد سازندگی» نام نهاده است.



بیست و پنجمین سالگرد شهادت شهید ساجدی

خبرنامه

۲۵



شماره ۴۱

حقیقت نوع تفکر و جهان بینی است که شهدا را از دیگر مردم جدا می کند. این نگاه خیلی مهم است. اگر کسی مخصوصاً جوانان اینطور به خود نگاه کنند که انسان مساوی است با خوردن، آشامیدن، تولید مثل، رفاه، مسکن، خوش گذرانی، امنیت و بهداشت و هدفش در این حد باشد؛ خدا، پیغمبر، امام، ولی و ولایت، خون و شهید و شهادت هیچ کدام لازم نیستند. اما اگر فکر انسان با واژه‌ها و کلید واژه‌های افتخار آفرین شهدا از قبیل معنویت، استمرار تا بی نهایت، بزرگ شدن، عروج، صعود آشنا شود در زمین نمی ماند و به معراج می رود و شهدا به این امر موفق شدند. زیرا شهدا به بالاتر از مسائل مادی، خوردن و آشامیدن، تولیدمثل و... فکر می کردند. اگر انگیزه محرک فرد در حد مادیات، جمادات و... باشد این خسارت است و شخص مذکور یک بازنده است. یکی از انگیزه‌های مهم محرک شهدا خدا است و انگیزه‌های مادی و جمادات و... در آنها تأثیری ندارد. حضرت علی (ع) در حدیثی می فرماید: «در این رهگذر افراد دو دسته هستند یک عده خود را به هوا و هوس ها، پست ها، موقعیت‌ها می فروشند و خود را اسیر می کنند و عده‌ای دیگر تمام رشته‌های اسارت را از گردن و دست و پا و بدن خود جدا می کنند و فقط با یک رشته که الفت با خدا است، انس می گیرند و هرچه دارند می دهند که کرامت انسانی خود را بخرند». وی در پایان سخنرانی به این نکته اشاره می کند که در پرتو این شهادت‌ها کار به جایی رسیده که ایران یکی از کشورهایی است که در موازنه‌های مختلف

امسال ۲۵ امین سالگرد شهید حاج هاشم ساجدی با حضور دوستان و هم‌زمان در منزل آن شهید بزرگوار برگزار شد. ابتدای مراسم با قرائت زیارت عاشورا آغاز گردید. سپس حاج آقا دست پروری به ایراد سخنرانی پرداختند. وی سخنان خود را با نقل حدیثی از حضرت علی علیه السلام و یاد امام (ره)، شهدا و بخصوص شهید ساجدی و شوشتری آغاز کردند. وی به زندگینامه شهید ساجدی و آیه: «ولا تقولوا لمن قتل فی سبیل الله اموات بل احیا و لکن لا تشعرون» (گمان مبرید که شهدا از دنیا رفته اند آنها حیات دارند و زنده اند منتهی نوع حیات آنها را شما نمی توانید بفهمید) وی به کلمه «لا تشعرون» اشاره کرده و گفتند خداوند این سیاق کلام و این کلمه را جز درباره مقام شهید بکار نبرده است. سپس وی با ذکر این سؤال که آیا شهدا پیام و درس زندگی دارند یا با اتمام جنگ تحمیلی پرونده شهدا هم بسته شد؟ ادامه دادند و در ادامه بیانات خود را به نقل حدیثی از علمای اهل سنت اشاره کرد، که هر که با ولایت اهل بیت (ع) از دنیا برود شهید از دنیا رفته است. وی از سه حرف ش - ه - ی - د و مشتقات این کلمه به عنوان یک اصل اشاره کرده که سه معنی حضور، آگاهی، علم و اعلام در لغت دارد و به معنای عموم شهید کسی است که در راه عقیده جان خویش را نثار کند که در تمام دنیا به همین صورت می باشد. ولی در قاموس اهل بیت، عاشورا، کربلا و عاشوراییان و کربلاییان شهید کسی است که دوعنصر ایثارگری - ایمان و اخلاص که مربوط به زمان خاصی نمی شود را دارا باشد. در

و این نقش تاریخی شهید ساجدی و امثال او است که ملتی را در محاصره و شکست کامل به پیروزی رسانده و دشمن را از سرزمین خود بیرون رانده و عزت و سربلندی برای این ملت بوجود می آورد.



روی آن حساب باز می‌کنند. و با ذکر مصیبت آقا ابا عبدالله (ع) و دعا سخنرانی خود را تمام کردند.

در ادامه آقای دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و هم‌رزم شهید ساجدی به ایراد سخنرانی پرداختند.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره شهید ساجدی، شهید شوشتری، شهید محمدزاده و سایر شهدای سیستان و تسلیت به خانواده‌های آنها سخنرانی خود را شروع کردند. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، صحبت کردن از شهدا بدون صحبت کردن از اهداف و نقشی که در ایران ما داشتند را بدون تناسب خواند. چرا که شهید را از چند طریق می‌توان شناخت یکی آن که خصوصیات و ویژگی‌های آنها گفته شود و دیگر آنکه چه اهدافی داشتند و چه نقش و موقعیتی در تاریخ ایران به عهده گرفتند. برادر رضایی محور سخنرانی خود را نقش تاریخی شهدا در دفاع مقدس ذکر کردند. سپس به فروپاشی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی بعد از عهد صفویه و سیر نزولی آن به مدت سیصد سال تا قبل از انقلاب اسلامی و پیشرفت جوامع غربی هم‌زمان با آن اشاره کرد. تا اینکه انقلاب اسلامی مبدأ و نقطه‌ای شد تا مردم ایران خود را یافته و تمدن و فرهنگ خود را احیاء کنند. اما این کار ساده‌ای نبود بلکه کاری عظیم با دشمنانی بزرگ بود. کار عظیمی بود چرا که باید بر ویرانه‌های یک تمدن بزرگ که چیزی از آن نمانده بود فرهنگ، علم و... می‌ساخت. بزرگتر از آن دشمنان قسم خورده بودند که نمی‌خواستند این جهش و خیزش و احیاء فرهنگ برای ایرانیان اتفاق بیافتد چرا که منافع آنها به خطر می‌افتاد. و جامعه جهانی که دم از دموکراسی می‌زند به جای تأیید کردن انقلاب اسلامی که تمامی قشرهای مردم در آن حضور داشتند و شعار آن استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود و به صورت کودتا و حزبی نبود، از تمامی توطئه‌ها از قبیل شورش‌های داخلی، ترورها، اغتشاشات، انفجارات و... بر علیه آن استفاده کرد. هنگامی که دیدند این توطئه‌ها بر این انقلاب مؤثر نیست تمامی قدرت خود را جمع کرده و به ایران حمله کردند و بخش‌های زیادی از پنج استان خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و بسیاری از شهرها و روستاها را گرفتند. ملتی که تازه انقلاب کرده بود آمادگی هیچگونه دفاعی از خود نداشت. هیچ ابزار و سلاح و مهمات جنگی نداشت. آنها هدفشان جلوگیری از حرکت و رشد ایران به سمت فرهنگ بود. ایران دید که در این جنگ تمام عیار در تمام دنیا تنها است. و تنها دو کشور کره شمالی و سوریه سلاح‌ها و مهمات سبک، آن هم به صورت مخفیانه به ایران می‌دادند. ملت ایران دید که تنهای تنها است، نیروهای مسلح پراکنده دارد، سپاه و بسیجی هم در کار نیست و تازه یکسری جوان برای اداره شهرها به سپاه و بسیج و عده‌ای هم به جهاد سازندگی آمده بودند و خیلی از آنها هم

آموزش جنگ ندیده بودند و حتی خدمت نظام وظیفه هم نرفته بودند. و دنیا می‌دانست با این وضعیت پشت ایران را به خاک مالیده و ایران را شکست می‌دهد.

برادر محسن رضایی به آشنایی خود با شهید ساجدی در عملیات فتح‌المبین در زمستان سال ۶۰ اشاره کرد. وی افزود که بخش مهمی از عملیات فتح‌المبین کار مهندسی بود که کار ساده‌ای نبود و شامل مین روبی، عبور از استحکامات دشمن، زدن جاده و پل، ایجاد سنگر - قرارگاه - بیمارستان صحرائی بود. و باید ظرف دو ماه یک شهر جنگی درست می‌شد. و این کارها را جوانان غالباً زیر سی سال انجام داده و باید در مدت کوتاهی به اندازه ده سال کار می‌کردند و این نشان می‌دهد که آنها آدم‌های ساده و متوسطی نبودند. البته ایشان با غلو کردن درباره شهیدان مخالفت کرده و آنرا باعث تنزل مقام و منزلت آنها می‌دانند و اگر همان واقعیت شهدا را منعکس کنیم، واقعیت آنها معجزه است. و شهید ساجدی با حضور مستقیم در خط مقدم موانع عملیات فتح‌المبین را هموار می‌کرد. و بعدها در جبهه شمال غرب از مریوان تا دهلران یعنی سی در صد مرز ۱۲۰۰ کیلومتری ایران با عراق را مهندسی می‌کرد. و در جاده پاره به سمت شیخ سله برای سرکشی از گروه مهندسی و اطمینان جاده برای عملیات رفته بود که کمین خورده و محاصره می‌شود و از وی می‌خواهند که هر جا که آنها می‌خواهند برود که می‌گوید من هیچوقت جایی که شما می‌گویید نمی‌روم و هر جا که خودم بخواهم می‌روم که با رگبار به شهادت می‌رسد و همان جایی می‌رود که خودش انتخاب کرده بود. برادر رضایی در ادامه می‌گویند یکبار شهید شوشتری از من پرسیدند که به شما در زمان جنگ سخت گذشت یا امروز؟ و من جواب گفتم: سختی‌های زمان جنگ با امروز قابل مقایسه نیست و وقتی با آن مشکلات بزرگ روبرو می‌شدیم یک محیط تخلیه روحی و روانی داشتیم که در آنجا تمام آن فشارها از بین می‌رفت، پرسیده بودند کجا؟ در جواب چهره خوب بچه‌های بهشتی و معنویت حاکم در بین آنها را نام می‌برند، که در این جو تمام مشکلات و سختی‌های عالم آب می‌شد. الان آن سختی‌ها کمتر است ولی باید به دنبال آن محیط‌های انسانی که تعدادشان اندک و کمیاب است، بگردیم. شهید ساجدی خراسانی بود ولی با کردها، لرها، آذری‌ها کار می‌کرد. و روحیه‌ای فراگیر و پر جاذبه داشتند که کسی حاضر به از دست دادن این جاذبه نبود و حاضر بودند نفس شهید ساجدی به آنها بخورد ولی به مرخصی نروند. هر کدام از فرماندهان شهید ما به معنای واقعی نماینده ولی فقیه در جبهه‌ها بودند که تعداد آنها هم کم نبود. و ملت ایران با توکل به خدا و همت فرزندان خودش از آن مظلومیت و غربت بیرون آمد و خود را در دنیا ثابت کرد. ما با وجود این سرمایه‌ها

در شرایطی که ابهت و اقتدار ملت ایران در حال شکسته شدن بود، افراد گمنامی هم چون ساجدی نقش تاریخی خود را ایفا کردند و عزت و سربلندی را برای ایران اسلامی به ارمغان آوردند.

در تهران و نیشابور اشاره کردند. فرزند شهید ساجدی در پایان راهی را که امام خمینی(ره) در سال ۴۲ آغاز کردند و شهدای گمنامی که قبل از انقلاب و به خاطر این راه شهید شدند؛ امانتی دانستند که به دست ما رسیده و بعد از امام از پرچمدار فعلی حمایت کنیم و انشاءالله با کمک خدا بتوانیم این راه پر نور را ادامه دهیم. در پایان با عرض ارادت و تشکر و التماس دعا از حضار با ذکر صلواتی سخنان خود را به پایان رساندند.



نباید مشکلی داشته باشیم و مشکل ما از زمانی شروع می‌شود که از تاریخ، ارزش‌ها، مرام و اصول خود بیگانه می‌شویم و هنگامیکه غیر خودی می‌شویم اقتدار و عظمت ما فرو می‌ریزد. گروه گروه می‌شویم و بجای آنکه دشمن ما را تضعیف کند خودمان خود را تضعیف می‌کنیم. شهدا کار بزرگی کردند و بعد از سیصد سال در سایه پرچم امام(ره) برای ایران ملت و دولت واقعی تشکیل دادند. و امروز ما باید گام جامعه سازی را برداریم. جامعه یعنی اخلاق، مناسبات اجتماعی، برادری و مناسبات اجتماعی، که در نهایت جامعه اسلامی داشته باشیم و ما باید یاد بگیریم که چگونه این جامعه را بسازیم. وی در ادامه افزودند هیچ کس در دنیا نمی‌تواند حریف جمهوری اسلامی بشود و با هزاران بمب هم از بین نخواهد رفت. کو آن ساجدی‌ها و شوشتری‌های امروز که بیایند و خانواده اسلامی، شهر اسلامی، معماری اسلامی، اقتصاد اسلامی، تربیت اسلامی بوجود آورند. ما سیاست را پشت سر گذاشته و مشکلی در آن نداریم و سیاست محل دعوی ما نیست بلکه جامعه امروز محل دعوای ماست؛ چگونه باهم پیشرفت کنیم؟ چگونه با هم تعامل کنیم؟ چگونه با هم گفتگو کنیم؟ عده ای می‌خواهند با هم تعامل و گفتگو کنند به هم فحش می‌دهند و این خوب نیست. اگر عده‌ای از مردم اعتراضات اجتماعی دارند نباید این اعتراضات سیاسی شده و مسائل اجتماعی نباید سیاسی بشوند. ما می‌توانیم از همان رزمندگان و جامعه کوچک دفاع مقدس ده ها و صدها درس برای امروز بگیریم. شهدا میراث بزرگی برای ما به ارمغان آوردند و به یادگار گذاشتند از جمله قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه؛ ما باید از این میراث گذشته برای آینده و ساختن یک جامعه اسلامی استفاده کنیم. برادر محسن در پایان به طلی کردن راه شهدا اشاره کرده و با دعا سخنرانی خود را به اتمام رساندند.

در ادامه پس پخش کلیپ کوتاهی فرزند برومند شهید ساجدی چند لحظه‌ای سخنرانی به شرح ذیل نمودند.

بنده فقط می‌خواستم تشکر کنم و خدمت تمامی دوستانی که تشریف آوردند به ویژه سرباز حریم ولایت و فرمانده دفاع مقدس آقای رضایی خیر مقدم عرض کنم. وی در ادامه به این نکته اشاره کردند که چطور می‌شود بعد از ربع قرن کسی نباشد ولی دوستان و هم‌زمان او به فکرش باشند؟ و در جواب فرمودند که فقط آدم باید شهید شود و مهر تأیید از خدای متعال و مردم بگیرد تا ۲۵ سال بعد دوستان و هم‌زمانش به یاد او دور هم جمع بشوند. سپس به شهید شوشتری اشاره کردند که سال قبل در جمعشان حضور داشت و امسال شهید شدند. و به نظر او شهید شوشتری دنبال شهادت دویدند تا به آن رسید و اگر کسی بخواهد به چیزی برسد اگر پیگیری کند به آن می‌رسد و در ادامه به استقبال مردم در تشییع آن شهید

ساجدی شخصیتی جذاب داشت که بسیاری از دوستان و یارانش حاضر نبودند جاذبه کنار او بودن را رها کنند و به مرخصی بروند. این شهید معمولاً تا ۵ یا ۴ ماه در جبهه می‌ماند؛ از این رو دیگران ترجیح می‌دادند نفس ساجدی به آنان بخورد و به مرخصی نروند.



عملیات خیبر، جاده سیدالشهداء - از راست به چپ آقایان: محمد علی نجفی - احمد پیری - روح الله الموسوی خمینی
علی شیرنژاد منصور حسن لو - شهید کمال الدین جان نصار - محمد مسعود خطیبی - حاج محمد حسین جمالی